



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: کتب، فوائین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انصابت - آگهیهای رسمی و قانونی

سال نهم

شماره ۲۴۱۹

۱۷ شهریور ۱۳۳۲ خرداد ماه ۱۳۳۲

شماره مسلسل ۸۱

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۸۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۳ شنبه

۵ خرداد ماه ۱۳۳۲

فهرست مطالب:

۱- تصویب صورت مجلس

۲- بیانات قبل از دستور - آقایان: مهندس فروری - کریمی - قنات آبادی

۳- اخذ رأی و تصویب فوریت دوم و سوم و مذاکره در اصل طرح

پیشنهادی مربوط بگزارش هیئت هشت نفری

۴- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

جلسه ساعت نه و پنجاه دقیقه صبح بریاست آقای مهندس رضوی

(نایب رئیس) تشکیل گردید.

۱- تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - صورت فائین جلسه بل فرائین میشود

(شرح زیر بوسیله آقای

ناظرزاده قرائت شد)

صورت فائین و دیر آمدگی و فائین روزای آقایان نمایندگان در جلسه صبح

کشبه سوم خرداد ماه ۱۳۳۲

فائین با اجازه - آقایان: دکتر - بابکان - اورنگ - عبدالرحمن فرامرزی -

کتر فقیهی شیرازی

فائین بی اجازه - آقایان: مشار - راشد - دکتر امامی - صراف زاده - دکتر

صالح زاده - علمری

دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه - آقایان: خسرو قشقائی - ۴ دقیقه - مهندس -

سری بیکساعت - دکتر ملکی بیکساعت - ۱۰ دقیقه - مجد زاده - ۱۰

۳- بیانات قبل از دستور

آقایان: مهندس فروری

- کریمی - قنات آبادی

نایب رئیس - چند نفر از آقایان تقاضای

نطق قبل از دستور کرده اند (مدهای رأی

بگیرید) آقای مهندس فروری

مهندس فروری - آقایان نمایندگان

محترم توجه داشته اند که در غلی بیکسال

عمر مجلس هفدهم هر وقت وضع جای کشور

را دستخوش خطرانی می دیدم بعرض

مذاکرات و راهنماییهای لازم مبادرت می

کردم تا مگر اندکی از بار مشقات و

محرومیت های کشاورزان جای بکام

و اگر در این راه مجدانه کوشا بودام

از اینجهت بود که نه تنها حیات اهالی

حوزه انتخابیه اینجانب وعده کبیری از مردم

زحمتکش کیلان و مازندران بریشه جای

بسته است بلکه جای یکی از عوامل مؤثر

در اقتصادیات کشور است زیرا تقریباً ۱۰

الی ۲۰ درصد از میزان کسری ارز صادرات

نسبت بواردات مملکت را ورود جای مورد

نیاز کشور تشکیل میدهد در صورتیکه با

اندک توجه میتوان در مدت بسیار کوتاهی

کشور را از ورود جای خارجی بی نیاز ساخت

بنابراین اگر اینجانب با اطلاعات و تخصصی

که نتیجه سالها مطالعه دقیق است بتوانم

دستگاههای اقتصادی و کشاورزی را بطور

مطلوب و در راه نیل باین منظور براه

اندازم بسم خود خدمتی باین آب و خاک

نموده ام. (قنات آبادی - احسن) در

این دو ماه اخیر باتمام تلاشهاییکه اینجانب

در تماس با مقامات اقتصادی کشور داشته و

آنانرا از اخذ تصمیمات نازروانی بر خذر

داشته ام مع الوصف بدون اطلاع و توجه

به مذاکرات اینجانب و سایر مطلقین و

متخصصین روشی در مورد جای اتخاذ گردید

که آنرا باطلان جنک بکشاورزان جای

شمال بیشتر میتوان تعمیر نمود تا یک روش

اقتصادی، مناسبانه در این مدت بملت خدم

تشکیل جلسات نمی توانستم که شکایت خود

را از مقامات اقتصادی به پیشگاه ملت و

نمایندگان محترم عرض بدارم و مخصوصاً

وقتی که آقای وزیر اقتصاد ملی بنابتد کر

اینجانب استنباط کرد که باقتضای حس وطن

پرستی و بمنظور احتراز از تضعیف دولت

و خلاصه با احترام آقای دکتر مصدق از

هر گونه تظلم و دادخواهی جایگزین و

علاقتمندان استقلال اقتصادی کشور جلو گیری

می کنم تا مبارزات مستمکی بدست مخالفین

بدهم به حاجت خود افزود و کار را بجائی

کشاید که باصدور تصویب نامه اخیر مورخ

۲۳/۳/۳۲ نه تنها لطمه بزرگی پیشرفت

کشاورزی و زندگی جایکاران وارد ساخت

بلکه موجبات سلب اعتماد و اعتقاد مردم

را از دولتی که باتکالی افکار عمومی پابر-

جاست فراهم نمود.

آقایان محترم استحضار دارند که در

اسفند ماه سال ۱۳۳۰ دولت تصویب نامه

بشماره ۲۳۸۱۴ صادر نمود که بموجب آن از

اول سال ۱۳۳۱ حق وارد کردن جای خارجی و

استفاده از سهمیه سالانه جای را به شرکتهائی

واگذار کرد که طبق مقررات آن تصویب نامه

تشکیل و با خرید بک سباز کشاورزان بتهیه جای

مرفوب در کارخانهای چایسازی شمال مبادرت

نمایند. ضمناً برای نظارت در اجرای آن

تصویب نامه هیئت نظارتی مرکب از نمایندگان

کشاورزان جای و صاحبان کارخانه های چایسازی

وسه نفر تاجر وارد کننده وسه نفر مأمور

دولت بموجب ماده ۵ همان تصویب نامه تشکیل

گردید که اهم وظایف آن بموجب ماده ۶

صارت است از (جناب آقای دکتر معظنی

بنده استند ما بکنم توجه بفرماید یک سوالی

میخواهم بکنم که این مطالبی که عرض میکنم

پسندید این استیضاح از يك وزير هست يا نه؟  
 ۱- تعیین انواع برك سبز و طرز خرید و تعیین بهای آنها  
 ۲- پیشنهاد سهمیه چای خارجه که بایستی سالیانه از خارج وارد کشور شود با توجه به موجودی محصول چای داخله و تشخیص سهمیه چای خارجه برای هر يك از شرکتهای با در نظر گرفتن مقدار چای داخلی خریداری شرکتهای مزبور و پیشنهاد آن بوزارت اقتصاد ملی

بدین ترتیب در صورتی بخریداران برك سبز چای سهمیه چای وارداتی داده می شود که بنرخ و شرایط و مقررات معین شده از طرف هیئت نظارت بخرید چای اقدام نماید.

این سهمیه چای خارجی که سرقتی چای داخله تعیین شده بود تنها و بهترین ضامن اجرایی برای خرید برك سبز از کشاورز و جلوگیری از اجحاف خریداران و همچنین مراقبت در مصرف و جنس چای بود. زیرا موقعیکه دولت از خرید برك سبز چای بملت بهران اقتصادی عاجز شود باید خریداری برای چای پیدا کند تا لااقل عسری از اضرار حمایتی را که از کشاورزی چای لازم میدانند انجام داده باشد و جز این هم راهی بنظر نمی رسد و بدین نحو با اینکه در سال گذشته کشاورز چای بدترین ادوار زندگانی خود را گذراند و محصول او بثلث قیمت از دست او خارج شد ولی باز وسیله ای برای ادامه زندگانی او موجود بود.

اما جواز دهندگان وزارت اقتصاد ملی که وجود این تصویب نامه را که قدرت صدور جواز از دست آنها گرفته بود و اعمال نظارت و تلوذی هم نمی توانستند در هیئت نظارت بکنند بفکر خنثی نمودن تلاش مداوم این جانب که پیوسته در فکر تثبیت وضع چای کشور بودم افتاده و از هیچگونه عمل بیجانی خودداری نکردند. شرح جزئیات آنرا در شرح موفقی که در آقای وزیر اقتصاد ملی را در این جریان شرح خواهم داد عرض میکنم.

بالاخره با اینکه هیئت نظارت از مطلع ترین و سابقه دارترین افراد در امر چای و از طبقات مختلف تشکیل شده بود بتشکیل کمیسیونهای مکرر و متوالی از اشخاص فاقد صلاحیت و بی اطلاع مبادرت نموده و هر روز با صحنه سازی و مصاحبه های بی معنی موجبات تزلزل ارکان حیات کشاورزان چای را فراهم میساختند در فاصله این اوقات اشخاص استفاده جو که پیوسته با مقامات مربوطه در تماس و از فکر و نظر آنان مطلع میباشند بورد چای بگمراحت بدون توجه بمقررات تصویب نامه شماره ۲۳۸۱۴ اقدام نمودند.

بدیهی است هر قدر که میزان چای وارداتی غیر قانونی در گمراحت اضافه میشد حرارت و فشار در کمیسیونهای اقتصادی بر زمین می افتاد و در نهایت منتهای حد رسید.

چای های غیر قانونی بیشتر میگردد بطوری که در اواسط بهمن ماه گذشته این موضوع کاملاً فاش گردید که با مخالفت اینجانب و تعصن اهالی هشیار شمال و روبروش و در نتیجه آقای وزیر اقتصاد ملی رسماً این موضوع را که مورد اعتراض آقایان دکتر شایگان و دکتر سنجابی نیز واقع شده بود در حضور آقایان نامبرده حاشا نمود و بموجب این تلگراف بمتصرفین تلگرافخانه های شمال نیز اطمینان داد که باین عمل غیر قانونی یعنی ترخیص چایهای موجود در گمراحت مبادرت نخواهد کرد.

تلگراف شماره ۳۰۳۰۷ مورخ ۳۱/۱۱/۳۱  
 آقایان متصرفین در تلگرافخانه لاهیجان رودسر- همانطور که حضوراً تذکر داده شد وزارت اقتصاد ملی در حمایت چای داخلی منتهای جدیت را داشته و دارد و قصدی مبنی بر مرخص کردن چای وارد شده در سال جاری را نداشته و حتی نظر این وزارت این است که اگر کالائی برخلاف مقررات وارد کشور شود و فوراً اجازه ترخیص داده شود تشویقی است از خلاف مقررات و این وزارت مجدداً تأیید میکند که قصد ترخیص چایهای برخلاف مقررات را نداشته و ندارد.

چنانچه ملاحظه میفرمائید وزارت اقتصاد ملی اولاً چایهای وارد شده در گمراحت را در سال ۱۳۳۱ برخلاف مقررات دانسته ثانیاً ترخیص آنرا تشویقی از خلاف مقررات میدانند ثالثاً مجدداً تأیید میکند که قصد ترخیص چایهای برخلاف مقررات را نداشته و ندارد. اما افسوس که فکر قدیمی آقای دکتر اخوی بفاصله ۳ ماه بمنصه ظهور رسید و با صدور تصویب نامه اخیراً اعلام شد که وزارت اقتصاد ملی قصد ترخیص چایهای برخلاف مقررات را نداشته و بقول خود از خلاف مقررات تشویق هم کرده است ثانیاً حقوق عده ای مستحق قانونی پایمال و ثالثاً بخزانة دولت هم زیان وارد ساخته که در باره هر کدام از آن مفصلاً باید صحبت کنم. اما فعلاً در باره تشویق خلاف مقررات از طرف وزارت اقتصاد ملی و همچنین عمل خلاف قانون که منتهی بقریب ۷۵۰ میلیون ریال ضرر دولت شده است عرضی عرض می کنم.

۱- بموجب ماده ۱۰ تصویب نامه شماره ۳۳۸۱۴ مورخ سوم اسفند ۳۰ که تقریباً هفتاد در صد ۲۳ سهمیه واردات سال ۱۳۳۱ درج شده (حق وارد کردن چای خارجی و استفاده از سهمیه سالیانه آن فقط به شرکتهای واردکننده میشود که طبق مقررات تصویب نامه شماره ۳۳۸۱۴ مورخ ۲۳/۱۲/۳۱ تشکیل شده باشد).

مفهوم مخالف آن این است که کسانی که طبق تصویب نامه نامبرده عمل ننموده باشند حق ورود چای خارجی ندارند و لذا چایهای وارد شده آنها غیر مجاز شناخته می شود.

۲- خود آقای وزیر اقتصاد ملی چایهای مورد بحث را بر خلاف مقررات یعنی غیر مجاز دانسته و در تلگراف به چایکاران که قبلاً قرائت کردم صراحة اظهار عقیده نموده است.

بملاوه عین این مطلب را در سال گذشته در پاسخ یکی از ادارات گمراحت جنوب کتباً نوشته است.

۳- مهمتر اینکه ماده ۴ تصویب نامه اخیر خصوصاً بند ۱ و ۴ نظر بالاراد در باره غیر مجاز بودن چایهای وارد شده تأیید می کند چه می نویسد چایهایی که بدون داشتن مجوز برخلاف مقررات این تصویب نامه وارد شده از طرف اداره کل گمراحت بنفع دولت ضبط میشود.

با توجه بمراتب بالا شک و تردیدی باقی نمی ماند که چایهایی که بدون توجه بمقررات تصویب نامه شماره ۳۳۸۱۴ وارد گمراحت شده غیر مجاز و مشمول ماده ۸۲ آیین نامه شماره ۶۶۴۲ مورخ هفتم تیرماه ۲۱ مربوط به صدور و ورود کالا می باشد بشرح زیر است.

ماده ۸۲- برای انجام آئین گمراحتی نسبت بکالاهای غیر مجازی که منظم بگمراحت وارد و اظهار میشود گمراحتخانه ورودی مکلف است پروانه ورودی مخصوص که باستناد تصویب نامه هیئت وزیران و بدون ذکر شماره سهمیه صادر شده و شماره تلویح تصویب نامه در آن قید گردیده باشد مطالبه کند و هر گاه چنین پروانه ارائه نشود کالای غیر مجاز را بسود دولت ضبط و حراج نماید الی آخر.

حالا بنده از وزارت اقتصاد ملی و اداره گمراحت سؤال می کنم که واردکنندگان چای در سال ۳۱ و ۳۲ کدام پروانه ورودی و کدام تصویب نامه را ارائه داده اند البته جوابی نخواهند داشت.

بنا بر این مسلم است که هیچ مجوزی برای ورود چایهای مذکور موجود نبوده و دولت میتواند که برای تنبیه متخلفین که پیوسته مقررات و قوانین ملعبه مطامع بی حد و حصر خود قرار میدادند ضبط چایهای غیر مجاز آنان مبادرت نماید تا لااقل برای یکبار نشان دهد که قانون و عدالت حتی در مورد متخلفین میلیونر هم مجری است.

بهای چای های مورد بحث که در حدود سه هزار تن میباشد بعد اقل قیمت امروز بالغ ۷۵۰ میلیون ریال است که وزارت اقتصاد ملی آنرا از کیسه خلیفه بخشیده است.

بهر حال تصویب نامه اخیر نه تنها موجب شد که متخلفین از مکافات عمل خود فرار نمایند بلکه جایزه این خلافکاری را نیز از دست مبارک آقای وزیر اقتصاد ملی دریافت کردند که شرح مفصل آن را بعد عرض می کنم.

شاید بعضی از آقایان محترم اصرار داشته باشند که این تصویب نامه را در وقت تدوین آن در نظر نگرفته اند و این تصویب نامه را در وقت تدوین آن در نظر نگرفته اند.

اینجانب را در ضبط چایهای مذکور در قسوت قلب اینجانب بدانند (در این مورد جلسه از اکثریت افتاد و پس از چندین جلسه مجدداً اکثریت حاصل شد)

لیکن اگر آقایان محترم اطلاع دارند که اکثر این چایها متعلق بهندیانی است و سالیان متعددی مروج معاملات ارزوی غیر قانونی بوده و بنام و بدست منشیان ایرانی غیر چای وارد کشور نموده اند بنده خواهنداد.

تا دیگر حجره و تجارتخانه آنان مرگ جمع آوری وجوه رشوه نگردیده و در پی خود قانون و مقررات مارا مسخره کنند بدین ترتیب معلوم است که چرا امر باین سادگی نبوده و برای قانون نمودن چایهای غیر قانونی بوسیله تصویب نامه مشتمل اخیر چه جریانات اقدامات مهمی صورت گرفته است.

خود حدیث مفصل بعنوان از این مجرای (احسن) بنده عرض دیگری هم دارم در همین زمینه در باره برخی اقداماتی که وزارت اقتصاد ملی بکرده است يك وقتی در حدود دو سال بنده لازم دارم از آقایان محترم تقاضا میکنم یا حالا بنده اجازه بفرمائید برای وقتی را تعیین کنند برای اینکه بنده مختصر مطالب خودم و خلاف کاریهای وزارت اقتصاد ملی کرده است عرض کنم جناب آقای دکتر معظمی اگر جناب عالی بنده را برای استیضاح از وزارت اقتصاد ملی دانسته بنده استیضاح میکنم اگر ندانستید قضا را بعهده جناب عالی میکنم (میر اشرف) اگر استیضاح کنید نو کر انگلیس هست باید تودیکر و لسان کن (خنده نمایند که در این مدت با زهم وزارت اقتصاد ملی تواند از خر شیطان پایین بیاید خلافتکار های خودش را جبران بکنند والا بنده مطالب خودم را خواهم گفت (دکتر فاضل)

همین حالا بفرمائید (دو ساعت وقت تلفات بفرمائید (قتات آبادی- حالا خیر) یکساعت وقت بدهید.

نایب رئیس- بین الانین صحبت نکنم بفرمائید آقای مهندس غروی

مهندس غروی- يك تلگراف آقای شهیدی داده اند راجع بقاچاق چای معلوم میشود وضع چای در آن جا بدست تقدیم مقام ریاست میکنم (شهیدی) شکایت از یککده شمالی هست (آقا شامال) و جواب ندارد چه فرمایشی است آقای شهیدی ما مملکت ایران است.

نایب رئیس- آقای کریمی

تشکیل داده و در مقابل مخالفین صف بندی  
 نایبم تا بتوانیم دولت جناب آقای دکتر  
 مصدق را که امروز در پارلمان بقدرت  
 امروز نبود پشتیبانی و تقویت نایبم این  
 قضایا مورد قبول واقع نگردد بولی شهادت  
 آقایان این بنده در مبارزه با مخالفین دولت  
 از هیچگونه فداکاری خودداری ننموده ام  
 تا بجائی که یرونده انتخاب این جانب را  
 که میتوان گفت از نمونه های انتخابات  
 بی غل و غش دوران مشروطیت است بجرم  
 طرفداری از جناب آقای دکتر مصدق  
 قریب دو ماه معوق و بلا تکلیف گذاردند تا  
 واقعه سی ام تیرماه پیش آمد نمود در این  
 واقعه نیز اولین نفری بودم که در جلسه  
 خصوصی روز پنجشنبه بیست و پنج تیر که  
 نامه بیجای دربار فرائت شد بعنوان اعتراض  
 از جلسه خارج شدم و اگر آقایان محترم  
 بغاطر داشته باشند در آن روز بیش از  
 ۱۸ نفر از نمایندگان با ما همکاری نیک کردند  
 هنگامیکه قرار شد پنج نفر از نمایندگان  
 برای مذاکره با شاه مملکت با ایشان  
 ملاقات نمایند اینجانب افتخار این نمایندگی  
 را از طرف فراکسیون طرفداران ادامه  
 نهضت ملی پیدا کردم و حقائق را بدون  
 ملاحظه با هیچکس عرض کردم و در روز  
 سی تیر هنگامیکه مدافعین آزادی و استقلال  
 ایران مانند سرک خزان در جلوی چشم  
 نمایندگان آنها بضر کلوله مأمورین  
 حکومت نظامی بمشک و خون مبتلایند  
 بنده چه در مرکز مقاومت اصلی ملت یعنی  
 مجلس شورای ملی و چه در کاروانسرا سنک  
 برای حمایت همشهریان کفن پوش خود که  
 از صد ها کیلومتر راه با لباس مرک برای  
 شرکت در این جهاد آمده بودند همکاری  
 نمودم تا اینکه بخواست خدا و همت ملت  
 غور ایران و با فشاری عده معدودی از  
 نمایندگان و برای چندمین بار پشتیبانی  
 حضرت آیه الله کاشانی پیروزی نهائی نصیب  
 ملت ایران گردید و جناب آقای دکتر مصدق  
 باقیمت خون عده کثیری از بهترین و شریف  
 ترین جوانان ملت و مبارزه سرسختانه و  
 جانی و مانی عده ای از نمایندگان مجلس  
 این بار با دریافت سمت وزارت دفاع ملی  
 بر مسند حکومت قرار گرفت در این وقت  
 انتظار مجلس و ملت از جناب آقای دکتر  
 مصدق پیش از پیش گردید همه منتظر  
 بودند که در اولین فرصت با کيفر مستببین  
 کشتار سی ام تیر قلوب داغ دیده بازماندهگان  
 شهداء را مرخم بگلزار و اخساست پاك  
 مردمی را که باشکم گرسنه و بدن برهنه  
 با شتهای گره کرده در مقابل توپ و تانک  
 ایستادگی نمودند محترم شمرده باقصاص و  
 تقاص خون جوانان وطن مردم زاد پروری  
 و ادامه نهضت مقدس ناپید و تشویق نماید  
 متأسفانه دولت علاوه بر آنکه اقدام مثبتی  
 در این مورد معمول نداشت بلکه طرح  
 تقدیم اینجانب که بمنظور تسریع در

معاکرات تهیه شده بود بوسیله بعضی اشخاص  
 دفن گردید و بجای آن لایحه معا که قوام  
 که میتوان آنرا بمثل قانون مصادره اموال  
 دانست بمجلس آورد آقایان نمایندگان  
 این مطلب کاملاً روشن و واضح است با  
 تصویب قانون مهدور الدم شناختن قوام و  
 تصریح در مصادره اموال او ماده واحده  
 تقدیمی دولت مبنی بر اجازه معا که او  
 که جز بمنظور تبرئه نامبرده و سپس عدم  
 اجرای مصادره اموال تهیه نشده بود همان  
 دستهایی که امروز این آتش اختلاف را  
 شعله ور ساخته برای اولین بار این ماده را  
 بامضای رئیس دولت رسانیده اند  
 خلاصه تا امروز که قریب یکسال از تاریخ  
 آن واقعه فاجعه میگذرد برای خونخواهی  
 شهداء جز مقدراری الفاظ و صحنه سازی و  
 یرونده سازی بمنظور تبرئه آنها هیچگونه  
 اقدام مثبتی بعمل نیامده است صرف نظر از  
 این موضوع برای اصلاحات داخلی مملکت  
 و بکار گماردن صدها هزار نفر از جوانان لایق  
 و بیکار کشور و استفاده از اراضی حاصلخیز  
 و بهائور مسلوب المنعمه و آبهای ساری و جاری  
 این مملکت و خلاصه برای نجات ملبونها نفر  
 نفوس فقیر این ملت همه چشمها با انتظار  
 کامل بدست دولتیکه بقیمت خون ملت روی  
 کار آمده بود دوخته شد و از پیشوای ملی  
 خود میخواستند که در مدت کمی با استفاده  
 از این گنجهای خداداد و اعتماد طایمی و  
 انرژی فراوان مردم بیکار باین فقره بعضی  
 همومی که متمم ایداری استعمار بوجود  
 آورده اند خاتمه داده شود  
 در این موقع پیشوای ملی و رهبر سیاسی  
 تقاضای اختیارات ششماهه را نمود و با وجود  
 مخالفت صریح قانون اساسی مبنی بر لزوم  
 انفکاک قوای ثلاثه و همچنین برخلاف منطق  
 مستدل و قریبادهای مظلومانه مکرر سابق  
 خود جناب آقای دکتر مصدق که مدعی  
 بودند ما و کبکیم و حق تو کیل نداریم مجلس  
 شورای ملی با تمام این موانع قانونی بامید  
 نجات ملت ایران و حل مشکل نفت زمام  
 اختیار مجلس مقننه را برای مدت شش ماه  
 باتفاق آراء تسلیم جناب آقای دکتر  
 مصدق نمود در این موقع دولت مقتدرترین  
 دولت های تاریخ ایران محسوب گردید  
 آنچنان قدرتی که دیوانه های کشوری بایک  
 امضاء منحل و مجدداً تشکیل داد و از این  
 روم داخله قوه مجریه در قضایای علمی گردید  
 و از طرفی با انتشار قانون ظالمانه مطبوعات  
 رکن چهارم مشروطیت بیو به نظر افتاد و  
 مجلس شورای ملی که با نیمی از عده  
 نمایندگان تشکیل شده بود با سلب اختیارات  
 کاملاً تضعیف گردید بطوریکه نمایندگان  
 ملت مورد تحقیر قلمورین دولت قرار گرفتند  
 ه ماه از اختیارات گذشت دولت با قدرت  
 کامل خود هیچ گرهی از مشکلات مملکت را  
 نکشود در این موقع آبادی نایک انگلستان  
 و خرس تیر خورده و مار زخمی استعمار شروع

بانجام نقشه هیشگی خود ( ایجاد نفاق  
 و تفرقه ) نمود و برای اولین بار مخالفت  
 با انتخاب حضرت آیه الله کاشانی بر ریاست  
 مجلس از طرف چند نفر اطرافیان شخص  
 نخست وزیر شروع و پس از آن نیز باناسیس  
 و تشکیل کنکره اسلامی و غیره مخالفت ادامه  
 داشت و سپس تقاضای توییح بیجای دکتر  
 بقائی در مجلس بمنظور تضعیف و اهانت  
 مجلس بروی کار آمد و از این تحریکات  
 هنوز فرائتی حاصل نشده بود که با انتشار  
 قانون انتخابات و تغییر حد نصاب نمایندگان  
 تشکیل جلسات مجلس دوره هفدهم دچار  
 خطر گردید و فی الحقیقه مشروطیت ایران  
 بمتعطل تهدید گردید در جلسه فراکسیون  
 نهضت ملی مطلب مطرح و قرار شد جناب  
 آقای مهندس رضوی شخص آقای دکتر  
 مصدق را ملاقات و انعکاس این اشتباه را  
 با اطلاع ایشان رسانیده و از طرف فراکسیون  
 درخواست کنیدا تبصره ای بلا لایحه الحاق  
 شود یا نامه ای رسمی مبنی بر عدم تعطیل  
 جلسات بمجلس نوشته شود ملاقات آقای  
 مهندس رضوی با رئیس دولت بلا نتیجه ماند  
 اکثر نمایندگان فشار خود را بر ریاست  
 مجلس وارد ساخته و از ایشان چهاره جوئی  
 مینمودند ناچار طرحی تهیه و در آخرین جلسه  
 مهلت قانونی شدن لایحه طرح بامضای ۸  
 نفر از نمایندگان فراکسیون ۸ نفر از  
 منفردین بمجلس تقدیم شد  
 هنگام تقدیم طرح جناب آقای دکتر  
 شایگان و وزیر کشور در بیانات خود اقرار  
 بر محق بودن تهیه و تقدیم طرح نموده ولی  
 مطلب را تحصیل حاصل خواندند لکن یکی  
 از نمایندگان مشاور دولت از چند نفر نمایندگان  
 مجلس تقاضای خروج از جلسه را بمنظور  
 او بستر و کسیون نموده و طرح متوقف ماند  
 در این موقع باز دستهای آلوده و مغرض  
 برای دامن زدن آتش اختلاف و نفاق بین  
 پیشوایان نهضت و دولت و مجلس بکار  
 افتاد و ظهر رادیو تهران اطلاع داد که  
 پیشوا درباره طرح نمایندگان با ملت سخن  
 خواهند گفت ریاست مجلس شورای ملی یکی  
 از معتزترین رانزد رئیس دولت فرستاد و از  
 ایشان خواستند که در نطق خود از تضعیف  
 مجلس و اهانت بنمایندگان خود داری  
 فرمائید متأسفانه قبول نفرمودند  
 عصر همان روز فراکسیون نهضت ملی  
 باتفاق آراء ۱۲ نفر نماینده نزد رئیس دولت  
 فرستاد و تقاضا کرد آقای نخست وزیر از  
 نطق خود طرف نظر نمایند و در اولین جلسه  
 مجلس رای اعتماد بایشان خواهند داد و طرح  
 تقدیمی را با وصول نامه ای از طرف دولت  
 مسترد خواهند نمود  
 رئیس محترم دولت بدرخواست آن  
 ها نیز توجهی نفرمودند بلکه فرموده بودند  
 سخن خود را با ملت عزیز بیان خواهم گذارد  
 نطق کنایه بوسیله رادیو بخش شد  
 نمایندگان که آن همه فداکاری و از خود

گذشتگی نموده بودند بجرم تقدیم ایک  
 طرح قانونی و کاملاً ساده که هیچ گونه  
 ضرری نداشت مورد حمله پیشوا قرار  
 گرفتند بعضی را انگلیسی و برخی را فریب  
 خورده وعده را تطبیح شده خواندند و  
 عبارات از پشت خنجر میزنند و غیره که بارها  
 از رادیو طهران شنیده آید بنمایندگان همان  
 ملت عزیز تار شد رادیو که امروز مدعی  
 است مجال بیخشن نواز مذاکرات مجلس را  
 ندارد در برنامه صبح هم آن فحش نامه را  
 تکرار کرد در جلسه علمی مجلس  
 جناب آقای مهندس رضوی و آقای مکی  
 ضمن بیانات مستدل و جامع خود درباره این  
 نطق از دوات گله نمودند و بیش از همه امضاء  
 کنندگان طرح رای اعتماد خود را بدولت  
 تقدیم داشتند ولی متأسفانه عصر و شب حتی  
 صبح روز دوم نیز از شنیدن نواز فحش و  
 دشنام مزبور مصون نماندند و پیشوای محبوب  
 با کمال بی انصافی آبرو و حیثیت نمایندگان  
 ملت را بوسیله دستگاه تبلیغات بیاد بدنامی  
 داد و تخم نفاق و شقاق را در دیگر بین مجلسیان  
 پاشیده شد چند روز بعد در جلسه خصوصی  
 مجلس جناب آقای مهندس رضوی نایب رئیس  
 ملت تشکیل جلسه را اینطور بیان فرمودند که  
 دیشب در حدود ساعت ۹ آقای نخست وزیر  
 اینجانب را احضار و بمجلس بیغام دادند که  
 چون بموقعیت مملکت حساس است  
 ( نایب رئیس - آقای - کریمی توجه  
 فرمائید کسی حق ندارد نایب رئیس مجلس  
 را احضار کند از من خواهش کردند منم رفتم )  
 بسیار خوب از لحاظ سیاست خارجی و مشکل  
 نفت صلاح نمیدانم هیچک از نمایندگان  
 در پشت تریبون انتقادی از دولت بنمایند و  
 یا موجبات تشنج را فراهم سازند و بایستی  
 مجلس کاملاً آرام و از هر گونه مخالفت  
 خودداری بشود در جلسه علمی بدون اطلاع  
 فراکسیون نهضت ملی که حقیقه فراکسیون  
 طرفدار دولت است و حتی بدون اطلاع رئیس  
 مجلس که تا آنروز با دولت همه قسم هم  
 همکاری و مساعدت را نموده بود و در واقع  
 موجب تقویت و استقرار دولت بود لایحه  
 تمديد اختیارات ۶ ماهه به یکسال دیگر داده  
 شد مجلس با تمام کراهتی که از این عمل برخلاف  
 قانون اساسی داشت لکن در مقابل درخواست  
 عده که در اثر تبلیغات دولت بدون توجه  
 بمایب آن خواستار این معنی بودند و با  
 تضعیفی که قبلاً بعمل آمده بود تسلیم شد و  
 فقط در اینجاست معظم مجلس شورای ملی  
 بعنوان اتمام حجت تذکرات قانونی خود را  
 بمجلس داد که بعدها تاریخ مشروطیت در  
 باره آن قضاوت خواهد نمود ( صحیح است )  
 و بین نمایندگان مجلس اولین کسی که  
 استغفای خود را روی تریبون گذاشت آقای مکی  
 بود و سپس آقایان حاجی بزاز و دکتر بقائی و نبات  
 آادی و چند نفر دیگر مخالفت اصولی خود را  
 بمنظور حفظ قانون اساسی ابراز داشتند  
 و آقای نخست وزیر در سبکه فراکسیون

منزل ایشان تشکیل شده بود فرمودند تا ۴ ساعت دیگر موضوع نفت حل خواهد شد و خود این هفته بیشتر موجب تسلیم نمایندگان برای اختیارات گردید ولی این مخالفت‌های اصولی موجب عصبانیت پیشوا گردید و رفته رفته آتش اختلاف بین دو پیشوا زبانه کشید مصلحتین هر چه تلاش کردند که باین اختلاف خاتمه دهند ثبات رای رئیس دولت مانع حصول نتیجه شد انتصاب افشار طوس با سوابق ننگین مأموریت در زمان دربارش بجای سرتیب کمال واحضار و انتصاب سرتیب دفتری بریاست گارد گمرکی بر انتصابات بیجای سابق بیات و دکتر فلاح اضافه شد و تمامند کرات نمایندگان طرفدار دولت کوچکترین تأثیری ننمود و بی اطلاعی بعضی از وزراء و بی اعتنائی آنها بنمایندگان مجلس وعدم توجه دولت بنگله‌های نمایندگان بیش از پیش موجب دلسردی و یأس شد هزاران مطالب دیگر که از حوصله مجلس خارج است موجب ادامه اختلاف گردید هنوز از این ماجرا فارغ نشده بودیم که واقعه ۱۹ اسفند در اثر تمایل نخست وزیر بر فراندن بوجود آمد نتیجه مقام سلطنت که بمدار واقعه‌سی ام‌تیر نیز بهیچوجه دخالت در امور نداشت و از پشتیبانی دولت هم مضایقه نمی نمود مورد تضعیف قرار گرفت ناچار در روز ۲۸ اسفند که اینجناب بمنظور خدا حافظی پس از دو ماه جهت مسافرت ایام عید بلافاصله رئیس دولت رفته بودم مانند همیشه مطالب را صریح و عریان بمرض ایشان رسانده و عرض کردم که بیلان عملیات ۲ ماهه دولت در بهمن و اسفند بقرار زیر است .

- ۱ - مجلس شورای ملی و مشروطیت نسبت بگذشته تحریف شده است
- ۲ - محبوبیت و وجهه حضرت آیت الله کاشانی تقلیل یافته است .
- ۳ - مقام سلطنت کاملاً تضعیف گردیده .

۴ - محبوبیت و مقام شخص دکتر مصدق نسبت بگذشته تنزل کرده است .

۵ - حرارت ملت ایران در پشتیبانی نهضت مقدس خود بالنسبه پائین آمده است .

و نتیجه می توان گفت مملکت ایران در این دو ماهه معنا خسارت دیده و باین که می دانم شخص جناب آقای دکتر مصدق بهیچوجه مایل بشنیدن این حقایق تلخ نبوده و برای گوینده آن جز ضرر فایده ای مترتب نیست لکن چون میدانم دیگران از گفتن حقایق خود داری میکنند حسب الوظیفه بامید تجدید نظر و چاره جوئی بمرض رساندم زیر امی ترسم روزی مورخین بنویسند ملت باستانی ایران در اثر فشار پنجاه ساله استعمار جنش و نهضت بی سابقه و تاریخی شروع نمود و پرچم این نهضت بپست دکتر مصدق سپرد شد ولی در زمان زمامداری او بجای پیروزی باشکست

مواجه گردید و ملت ایران برای همیشه مایوس و منکوب شد در پاسخ باحالی عصبانی فرمودند با وجود مخالفت چند نفر از مؤثرین چگونه می خواهید این تزلزل و شکست بوجود نیاید و چگونه تقصیر را متوجه من خواهند نمود بنده عرض کردم شما که خود را حریف انگلستان محبل و سیاس میدانید و ملت ایران هم باین معنی معتقد هست چگونه می پذیرند که سه چهار نفر از همکاران و یاران قدیمی خود را که باشما هم هدف بوده هستند نتوانید با خود موافق نموده و راضی نگه دارید .

در هر صورت امروز کار اختلاف بجائی رسیده که آقای حائری زاده که عمری را در راه آزادی و مشروطیت و استقلال ایران مبارزه کرده و از همکاران با وفای شهید راه آزادی مرحوم مدرس میباشد بوسیله اطرافیان دولت نو سر انگلستان خوانده میشوند و متأسفانه ایشان نیز از شدت تأثر در پشت تریبون مجلس آقای دکتر مصدق را انگلیسی میخوانند جنای کمال تأسف است .

و آقای دکتر بقائی و آقای مکی که هر دو نفر از یابان نهضت ملت ایران هستند و تاریخ نمیتواند فدکاری این دو مرد بزرگ را نادیده بگیرد امروز یکی را بتیروزهر آکین اتهامات جنائی و دیگری را بنام منافق مورد حمله قرار میدهند از همه مهمتر آنکه حضرت آیت الله کاشانی که سوابق مبارزات معظمله یا انگلستان بیش از هر کدام از مدعیان امروزی است و همیشه بجای قرار و استراحت در سنگر اول مبارزه قرار داشته و تا کنون بزرگترین ضربتها را بر پیکر منحوس استعمار وارد ساخته و در نهضت مقدس ملت ایران سهم بسزائی را دارند و جزء بانیان و پایه گذاران نهضت بشمار میروند نیز از این اهانت و تهمت واقترامصون نمانده اند بقول معروف :

در دهر چو او یکی و آنهم کافر  
پس در همه دهر یک مسلمان نبود

( احسن )

وقتی آیت الله کاشانی مورد اعتماد نباشند دیگر افرادی امثال اطرافیان فعلی دکتر مصدق با آن سوابق چه معلی از اعراب خواهد داشت (میراشرافی و رفقای پیشووری و غلامی) و اعتماد مردم از سایرین بطریق اولی سلب میشود

اکنون از پشت این تریبون باشهادت ملت ایران آقایان زمامداران و سران نهضت را مخاطب ساخته و از آنها استر حائنا شدها میکنم که برخلاف گذشته متعهد شوند آقایان شما که از سیاست شوم نفاق افکن اجنبی اصلاح دارید بمصدق حکایت آن پیرمردی که هنگام نزع یکدسته تر که را مثال فرار داد امروز دشمن آن دسته تیرهارا از هم جدا ساخته نگذارید یک یک را بشکنند انگلستان در صدد است هر وقت که باشد از اعضای جبهه ملی و همکاران آنها انتقام

بگیرد اتمعمار مبارزات حائری زاده و مکی و بقائی و مصدق و کاشانی را از یاد نبرده و نخواهد برد راضی نشوید این انتقام بدست خودی انجام شود بمداز شکست بقائی از بین بردن کاشانی و پس از آن کوبیدن مصدق برای حریف سرسخت سهل خواهد بود بیاید برای خاطر خدا دست از لجاج و عناد و خودخواهی بردارید و بکوری چشم اجانب و دشمنان نهضت مقدس ایران باریگردست اتحاد و اتفاق بیکدیگر داده بجای اختلاف و مخالفت دست با اصلاحات زده فکر چاره دردهای بی شمار ملت پریشان باشید و نگذارید بیش از این ملت غیور و قهرمان ایران از رهبری شما دلسرد و مایوس گردد

**نایب رئیس - آقای فئات آبادی**

**فئات آبادی -** اگر جناب آقای دکتر سنجابی نماینده محترم از پشت تریبون مبارزات حزبی را عنوان نمی فرمودند من البته در پیرامون این مطلب سخنی نمیگفتم اما چون این جا جناب آقای دکتر سنجابی سؤال فرمودند و اشاره بروزنامه ارگان مجمع مسلمین مجاهد نمودند و خواستند وانمود نمایند که مایک مطالبی را برخلاف حق و صرف دشمنی و عناد بیان کرده ایم برای روشن شدن اذهان آقایان نمایندگان محترم و برای اطلاع نمایندگان مجلس و ملت ایران بنده یک اشاره مختصری بمطالبی که در روزنامه ارگان مجمع مسلمانان مجاهد علیه آقایان درج شده است مینمایم مادر روزنامه دموکرات اسلامی ارگان مجمع مسلمانان مجاهد ... (در این موقع جلسه از اکثریت افتاد و پس از چند لحظه با ورود چند نفر اکثریت حاصل شد) نوشتیم که آقایان با حزب توده و فرقه دموکرات آذربایجان یعنی دسته هائی که آذربایجان را تجزیه کرده بودند با حزب کومله ائتلاف کردند اینک ما نوشتیم نقل از شماره ۳۹۰ یکشنبه تیرماه ۱۳۲۵ روزنامه جبهه ارگان حزب ایران و شماره ۷۵۵ یکشنبه ۹ تیر روزنامه رهبر ارگان حزب توده ایران بوده است از روزنامه ارگان خود آقایان و روزنامه ارگان حزب توده ما این مطالب را استنساخ کردیم و این مطلبی که مادر روزنامه مینویسیم که آقایان تابع قدرت هستند هر کجا زور باشد هر کجا قدرت باشد آنجا بر تعظیم و تکریم فرود میآورند آنجا صدقنا میکنند اینهم باز باستناد نوشتهجات خود آقایان در روزنامه گرامی جبهه ارگان حزب ایران است که یک روزی آقای دکتر سنجابی میفرمایند من اجازه میخواهم جام خودم را بسلامتی آقای فوام السلطنه و سایر نمایندگان آذربایجان و بسلامتی شورای متعده کارگران که بگانه نماینده کارگران ایرانست بنوشم البته بنده در ماهیت جام حرفی ندارم انشاء الله آب جوش بوده این مطلب را هم ما از روزنامه جبهه ارگان حزب ایران شماره ۳۶۹

چهارشنبه ۱۳ شهریورماه ۱۳۲۵ استنساخ کرده ایم البته اینکه ما نوشته ایم آقایان در مقابل قدرت صدقنا میکنند میدانند آن موقمی که فرقه دموکرات آذربایجان را تجزیه کرده بود یک عدوی خیال میکردند که کار استقلال ایران باعاش در هم پیچیده شده و فرقه دموکرات آذربایجان میآید تهران و سایر نقاط ایران را بگیرد و حکومت بلشویکی در مملکت مستقر میشود لذا آنها را مقتدر میدانستند آقایان در مقابل آنها تعظیم میکردند آن روزی که آقایان جام خود را بسلامتی فوام السلطنه مینوشیدند آنروز فوام السلطنه در ایران حکومت فرعونى بپا کرده بود و کارش بجائی رسیده بود که از نیمه راه آیت الله کاشانی را میگرفت و تبعید و در بند میکرد پس بنابراین قدرت آنروز دست آقای فوام السلطنه بوده است که آقایان جام خود را بسلامتی او مینوشیده اند بعد از فوام السلطنه دولتهائی که روی کار آمده اند آقایان با آنها لاس زده اند تا اینکه موضوع نهضت مقدس ملی ایران پیش آمد من نمیخواهم تجدید مطلب بکنم آقایان میدانند یک روزی نهضت خوف داشت کسک داشت حبس داشت زندان در بدری داشت این آقایان مدعی نهضت هیچکدام تشریف نداشتند اما همچو که نهضت و کالت پیدا کرد وزارت پیدا کرد رئیس بانک پیمه پیدا کرد پست های حساس پیدا کرد آقایان از طرفداران پرو پاقرص نهضت شدتند (ذوالفقاری - آدمهای عاقل هستند) البته بنده پیش از این در پیرامون این مطلب صحبت نمی کنم یک مطلبی جناب آقای مهندس زیرک زاده نماینده محترم راجع به موضوع عدم امنیت ایران و تأثیر آن در خارج و تبلیغاتی که عمال استعمار در خارج می کنند بیان فرمودند که بنده فرمایشات جنابعالی را تصدیق دارم اما می خواهم سؤال کنم این عدم امنیت را بوجود آورده است آیا بنده و دکتر بقائی یک عدوی را تحریک کردیم که جلوی مجلس ملی زهری را بزنند و محضارامتش کنند آیا من و دکتر بقائی یک عدوی را تحریک کردیم بروند دم داد گستری افرا خارجی را بزنند و پرونده عدم امنیت بوجز بیاید ؟ و حال اینکه شما میدانید همان کسانی که در بد داد گستری افراد بیگانه را زد مؤلفین ظلمی سابق و دوستی هستند المسلك امروزی شما هستند پس بنا بر این اگر پرونده ای هم بر عدم امنیت ایران تهیه میشود که بسیار بدیست بسیار خائنانه است این ما نیستیم این پرونده عدم امنیت را تهیه می و اما راجع به موضوع تخفیف داشته باشند بنده روز اول یک سؤالی کردم یعنی خواهش کردم که دستور راجع

مطلب روشن بفرمایند خوشبختانه در مذاکرات و فرمایشات جناب آقای دکتر سنجابی که الان صورت مذاکراتش اینجا هست بنده خواندم که ایشان فرموده اند «و این عمل دولت که برای مدت شش ماه تخفیف فوق العاده در قیمت فروش نفت قائل شده یکی از بهترین و مؤثرترین سیاست های دکتراست» این عین فرمایش جناب آقای دکتر سنجابی است که بنده از صورت مجلس خواندم و اگر اشکال نداشته باشد ممکن است جناب آقای پارسا لطف بفرمایند و بگویند که این عقیده خود ایشان است یا عقیده فراکسیون نهضت ملی است یعنی تمام آقایان این عقیده را دارند یا این عقیده تنها عقیده جناب آقای دکتر سنجابی است که سیاست جناب آقای دکتر مصدق راجع به ۵۰ درصد تخفیف بهترین سیاست است این عقیده آقا است یا عقیده همه اعضای فراکسیون نهضت ملی است و چون تکذیبی نمیفرمایند... (خسرو قشقانی - سوال از وکیل نمی شود کرد) سوال نمیکنم نمی می کنم برای اینکه اتفاق افتاده است که بعضی از آقایان آمدند و گفتند ما با فلان دولت موافق نبودیم ممکن است پس فردا یک اوضاعی پیش بیاید و حقایق آشکارتر شود و آقایان بفرمایند این عقیده شخصی دکتراست سنجابی بوده و یا ارتباطی ندارد لذا من فقط خواهش کردم نه فقط برای روشن شدن بنده اصلاً و اساساً برای روشن شدن ملت ایران فراکسیون نهضت ملی این مطلب را بیان بفرمایند اطلاع بدهند لطف بکنند و بفرمایند این عقیده شخصی جناب آقای دکتر سنجابی است یا عقیده فراکسیون نهضت ملی؟ (پارسا - بعداً جواب داده میشود) علی ای حال تکذیب که نمی فرمایند من خیلی متشکرم که آقای پارسا تکذیب نفرمودند (خلخالی - مطلب در فراکسیون مطرح نشده) دلم می خواست اینجا از جناب آقای دکتر طاهری هم که پیروم در سیاست هستند بیروم یعنی سوال کنم استدعا کنم که بگویند آقایان بفرمایند سوال نماینده حرام است جناب آقای دکتر طاهری جنابعالی هم همین عقیده را دارید که این بهترین سیاست است برای بدست آوردن بازار نفت در دنیا؟ (دکتر طاهری - من هنوز فکرش را نکرده ام سیاستی است که دولت مصلحت دانسته ما وارد نبوده ایم با ما هم مشورت نکردند) علی ای حال چون آقای دکتر طاهری دولت را تأیید میفرمایند و بدولت البته رأی سفید خواهند داد این سیاست را تخطئه نمی فرمایند (ناظرزاده - ایشان هنوز فکرش را نکرده اند) جنابعالی چه طور؟ شما فکرش را کرده اید؟ قبول دارید؟ (میراشرفی - جناب آقای قنات آبادی آقای دکتر میفرمایند ما قبول نداریم) خوب اجازه بفرمایند خودشان آقای دکتر قبول دارند خوب مطلبی که اینجا پیش می آید و من خواهش کردم از آقایان طرفداران این

سیاست که بیایند بفرمایند و آقای دکتر مصدق هم بملت ایران تضمین بدهد که این سیاستی که ایشان اتخاذ فرموده اند یعنی ۵۰ درصد تخفیفی که ایشان بکمیابانهای نفت جهان که همه باهم شریک هستند و سزاواره نفت تمام دنیا در یک نقطه تمرکز پیدا میکند ایشان بملت ایران تضمین بدهند که این سیاست سبب میشود که ما در دنیا بازار بدست بیاوریم و محاصره اقتصادی شکسته میشود (مهندس حسینی - این فرمایشی که میفرمایند همه باهم یکی هستند از بی اطلاعی جنابعالی است) خیلی صحیح میفرمایند بنده خیلی بد کردم که راجع باین مطلب قبلاً با متخصص عالی جناب نفت مشورت نکردم خیلی معذرت می خواهم جناب آقای مهندس حسینی (مهندس حسینی - این که میفرمایند است جناب آقای قنات آبادی بعد هم بهتان جواب میدهم) بنده خیلی معذرت می خواهم که قبلاً با جنابعالی مشورت نکردم (مهندس حسینی - اینهم از بیچارگی تان است) البته بنده شنیده ام که اینها همه باهم شریکند شنیده ام که آمریکا و انگلستان در موضوع نفت رابطه بسیار بسیار دوستانه ای دارند و کمیابهای بزرگ نفتی دنیا برای اینکه از فروش نفت ضرر نکنند همیشه بازار نفت تثبیت باشد با یکدیگر بندوبست دارند این رابطه بنده گفته اند و بنده شنیده ام حالا جنابعالی میفرمایند نه آنهم یک مطلبی است علیحده و خیلی معذرت می خواهم که قبلاً از جنابعالی استفسار نکردم بهر حال ما باین مطلب هم کاری نداریم جناب آقای مهندس حسینی من چیزی که می خواهم اینست که آقای دکتر مصدق بملت ایران تضمین بدهد که این سیاست من در مورد تخفیف قیمت سبب بدست آوردن بازار و شکستن محاصره اقتصادی میشود و اگر بنا بشود که این شش ماه تمام شود و بگویند سیاست اقتضا میکند که شش ماه دیگر تخفیف بدهیم باز هم جناب آقای دکتر سنجابی تشریف بیاورند پیش تر بیون که این بهترین سیاست است و شما هم دیگر هم تشریف بیاورند و بگویند تونو کرانگلیس هستی تونو مکر کیانی سابق نفتی توجوه استو کسی این کار و این بارشمر نمیرسد - الا باید بدانی که کی اینکار بشمر میرسد و این تخفیف را تا کی باید بدهیم؟ ما این بدل و بخشش را تا کی بکنیم؟ (پارسا - جناب آقای قنات آبادی تباحثی موقعت بدست آمده یعنی در بازارهای نفت دنیا نفت ما بفروش میرود) خواهش میکنم جناب آقای پارسا چون همین فرمایش جنابعالی مدتی از وقت بشود میگذارد اجازه بفرمایند حرف من تمام بشود الحمدلله از (ب) بسم الله تا (ت) تمت هر چه که آقایان بفرمایند بایک ادواصول بسیار تشنگ مطابق با آئین سخنوری را در تهران بخش میکنند موقع نطق مامثل اینکه آتش خورده و دهنش سوخته مطالب مارتندند میگویند میگویند من امروز گوش بدهید وقتی نطق بفرمایند خواهش بکنند مثل اینکه پانزده

تا از این سربازهای حکومت نظامی با سر نیزه دنبالش کرده اند الان می خواهند بپوشند در ردیف مهمین بقتل افشارکوس مثل برق لامع میخوانند اما دلم می خواهد خوب ذقت بفرمایند که وقتی نطق جناب آقای دکتر سنجابی را قرائت می کرد چه بالا و پایین بفرمایند مبداء عیناً مثل اینکه جناب آقای دکتر سنجابی آنجا تشریف داشته و دستوز مخصوص صادر می کردند (حسینی - نطق جنابعالی را که با صدای خودتان بخش کردند) اما متأسفانه بعد که نطق بنده را میخوانند مثل اینکه... (در این موقع یکی از تماشاچیان تظاهر کرد بدستور نایب رئیس اخراج شد) **مهندس حسینی - آقا وقت ایشان گذشته این چه وضعی است**  
**قنات آبادی -** چرا جنابعالی مداخله میفرمایند آقای رئیس باید تذکر بدهند **نایب رئیس -** آقای مهندس حسینی مداخله نفرمایید **مهندس حسینی -** نسیاسات حرف زدند خواهش میکنم شما تذکر بفرمایید **قنات آبادی -** شما صحبت نفرمایید بتا بر این بنده باز هم بنام ملت ایران از جناب آقای دکتر مصدق خواهش میکنم که تکلیف ملت ایران را روشن بکنند و بفرمایند این تخفیف تا کی باید ادامه داشته باشد (میراشرفی - تا وقتی که آقای دکتر مصدق بخواهد حکومت کند) در خانه عریض می خواهم عرض کنم همه جای دنیا رسم اینست که نمایندگان مخالف دولت می آیند و از کارهای دولت انتقاد میکنند نمایندگان موافق دولت هم تشریف می آورند و میگویند ملت ایران این دولت اینکارها را کرده و اینکارها هم در برنامه آینده آنست و می کنند متأسفانه آقایان موافقین دولت هر چند مرتبه که آمده اند خواسته اند راجع بکارهای دولت صحبت کنند همان مطالب گذشته را دو مرتبه تکرار کرده اند که ما اینکه خود جناب آقای دکتر مصدق هم که امروز نطقی میکنند فردا که دو مرتبه نطقی می فرمایند نطق امروز را با اضافه مطالب گذشته دو مرتبه شروع میکنند پس فردا هم که نطق بکنند نطق فردا را با اضافه مطالب گذشته دو مرتبه تکرار میکنند لذا طول مدت نطق های ایشان هم روز بروز ماه به ماه اضافه شده یعنی یک ساعت بوده یک ساعت و نیم شده چون هر روز از سر شروع کردند موضوع مهمی که در این نطقها هست و قابل قبول همه است و هیچکس نمیتواند منکر شود و هر کس منکر شود باید توبی دهنش زد موضوع مبارزه با استعمار ملی کردن صنعت نفت است کنسولگریها و خلق بد است و در اینکارها گمان نمیکنم که هیچکس بیشتر از دیگری سهم داشته باشد اما دولت باید بگوید من این نقشه اقتصادی را تهیه کردم من این راه را برای بالا بردن سطح کشاورزی بوجود آوردم و این مقدارش را عمل کردم و

این مقدارش را در آینده عمل خواهم کرد و اما این دولت باندازه ای عاجز و ناتوان است که یولیکه مردم ایران ده تومان و پنجاه تومان و بیست تومان برای مردمی که عزیزانشان در زلزله طرود کشته شده باین دولت داده و به ۶۰۰ هزار تومان هم رسیده این دولت نتوانسته قدرت نداشته این پولی را که مردم دادند برای هموطنانشان ببرند در طرود برای اینها چهار تا خانه خشت و گلی بسازند دولتیکه اینقدر عاجز باشد و نتواند این کار کوچک را که بودجه اش را هم خود ملت از جیب خودش داده است عمل کند فقط باید بصرف ادها و بصرف دشنام و بصرف فحش و تحریک و اشتریک حکومت کند اگر کار این حکومت ب نتیجه میرسد و کشتی این مملکت را بساحل نجات میرساند ما حرفی نداریم **نایب رئیس -** آقای قنات آبادی وقت شما گذشته (میراشرفی - آقای قنات آبادی در عرض صد گلیا بگان تمام شد) **قنات آبادی -** بسیار کار خوبی است گلیا بگان هم جزا وطن ما است **(۳ - اخذ رأی و تصویب فوریت دوم و سوم و مذاکره در اصل طرح پیشنهادی مربوط بگزارش هیئت ۸ نفری)** **نایب رئیس -** وارد دستور میشویم اعلام رأی شده است نسبت بفوریت دوم چند نفر از آقایان تقاضای رأی باور فرموده اند بنا بر این باور فرمای میگیریم (آقای معتمد دماوندی (تمشی) اسامی آقایان نمایندگان را بترتیب ذیل اعلام و در محل نطق اخذ رأی بعمل آمد)  
 آقایان: مهندس زیرک زاده، مهندس حسینی، دکتر سنجابی، پارسا، انگلیسی، میلانی، قنات آبادی، معتمد حسین قشقانی، دکتر فاخر، معتمد ذوالفقاری، دکتر معظلمی، مکی، دکتر بقائی، خسرو قشقانی، کیان، شستری، افشار، کهبد، وکیل پور، دکتر ملکی، کریمی، مجتهدی، میراشرفی، موسوی، هدی، افشار صادقی، حمیدیه، جلایی، حاج سید جوادی، شهیدی، دکتر فلسفی، اشکر، اقبال، مدرس، خلخالی، مصدقی، ملک ثانی، دکتر طاهری، ذکائی، زهری، مجدزاده، شاپوری، شادلو، شوکتی، جلیلی، منصف، دادور، مهندس فروری، فرزانه، پورحزین، ریگی، احمد فرامرزی، شهاب خسروانی، نبوی، نجفی، گنجینه، امیر افشاری، نریمان، صفائی، حاشی زاده، رفیع، تولیت، ناظرزاده، معتمد دماوندی، امامی اهزی.  
 (شماره آراء بعمل آمده ۵۵ ورق موافق و چهار ورق مخالف و شش ورق سفید بی اسم شمرده شد)  
**نایب رئیس -** در وقت دوم پانزده

اسامی موافقین آقایان: ناظر زاده - جلیلی - دکتر فاخر - امیر افشاری - نجفی فردوس - مکی - خسرو قشقائی - کهبند - محمد حسین قشقائی - کریمی - دکتر ملک - تولیت - صفائی - دکتر معظمی - مجد زاده - محمد ذوالفقاری - مهندس زیرک زاده - دکتر سنجابی - ناصر ذوالفقاری - جلالی - دادور - شوکتی - امامی - اهری - پارسا - مجتهدی - ریگی - مهندس حسینی - دکتر کیان - انگجی - اقبال - دکتر فلسفی - رفیع - شاپوری - حاج سیدجوادی - موسوی - فتحعلی افشار - میلانی - وکیل پور - شبستری - شهیدی - ذکائی - متمدن ماوندی - نریمان - خلخالو - ملک مدنی - منصف - مهندس فروری - شادلو - گنج - دکتر طاهری - نبوی - شهاب خسروانی - مهسوس - اخگر - مصدقی

اسامی مخالفین - آقایان: امیر اشرافی - افشار صادقی - حمیدیه - هدی (با ذکر این شرح در ورقه ۲۷ و ۲۸ با آن صراحت زیر یا گذارده شد اصل ۴۴ و ۴۵ با آن صراحت بدون دلیل مورد تفسیر واقع میشود خواهان دعایت کار این مملکت را در دوره ۲۷ بخیر گرداند) ورقه سفید علامت امتناع (باقید کلمه (آرزو) در یکی از آنها) ۶ ورقه

نایب رئیس - چون فوریت دوم تصویب شده است وارد فوریت سوم میشود آقای زهری تقاضا کرده اند بعنوان مخالف بفرمایند آقای زهری

زهری - دلیل اصلی مخالفت بنده با فوریت ها و با فوریت سوم مخصوصاً اینست که این گزارش و این موضوع الان قریب دو ماه است که مطرح است و در اطرافش صحبت میشود و بحث میشود و تحقیقات می شود و در این مدت بطوریکه آقایان ملاحظه فرموده اند بجای اینکه علت وجودی این گزارش یعنی اختلافات بین دولت و دربار زیادتیر شده باشد بحمدالله طبق گفتار سخن گوی رسمی دولت و سخنگوی رسمی دربار رفع شده لذا بنظر بنده این موضوع علاوه بر اینکه تصویبش اصولاً معنی ندارد فوریتی نمی تواند داشته باشد و عملاً ثابت شده است که فوریت نداشته ولی برای اینکه عرایض روشنتر خدمت آقایان عرض شده باشد يك مختصری از تاریخچه این گزارش هیت ۸ نفری و طرحی که امروز مطرح است بمرض آقایان میرسانم بمذاق و قیاس نهم اسفند ۱۰ اسفند و نطق جناب آقای نخست وزیر هیتی در جلسه خصوصی تعیین و انتخاب شدند که برای رفع اختلاف بین دربار و دولت مطالباتی بکنند و در حدود امکان رفع این اختلافات را بنمایند آقایان رفتند و با طرفین اختلاف صحبت کردند و گزارشی تهیه کردند که آقایان از آن اطلاع دارند در این گزارش چند اصل از قانون اساسی عیناً نقل شده برای اینکه سوء تفاهمی بوجود نیاید و اسم تفسیر قانون اساسی گذاشته

است که نه تنها شاه و دربار و نه تنها دولت بلکه تمام مردم حتی مجلسیان آقایان نمایندگان مجبور و موظف بمتابعت از آن هستند ولی متأسفانه این موضوع خیلی ساده و روشن يك عقده ای شد و وسیله ای شد برای هوو جنجال و هیاهو و تبلیغات گردید بطوری که اگر ما درست بانظر انصاف باین جریان نگاه کنیم می بینیم که عمل آقایانی که اینهمه اصرار دارند این گزارش بدیهی و این اصول بدیهی مورد تأیید و تصویب قرار بگیرد درست مثل عمل کسانیست که بقول يك ضرب المثل چینی زیردیک خالی را آتش بکنند بطوریکه قبلاً هم ما اظهار کردیم نمی توانیم مابین قانون اساسی و موادی از قانون اساسی که عیناً در این گزارش گنجانیده شده است مخالف باشیم نه تنها با این مواد بلکه با تمام مواد آن موافقم چون اینجاما قسم خورده ایم بر رعایت و احترام و حفظ مواد قانون اساسی (صحیح است) موضوعی که اشکال دارد بنظر ما اینستکه قانون اساسی نه قابل بحث در مجلس است نه قابل رد در مجلس است و نه قابل تصویب این يك چیزی است تصویب شده و مسلم لذا این عمل که هیچ فوریت هم ندارد چون اختلاف رفع شده مطرح کردن و در اصلش وارد بحث شدن يك عمل زایدی است و ممکن است سابقه بدو خطرناکی برای آینده بشود (بعضی از نمایندگان صحیح است) کریمی - ماهم تفسیر نکردیم عین قانون اساسی است احتیاج بتفسیر نیست قابل طرح و بحث هم نیست کسی حق ندارد در اصرافش و بر علیهش صحبت کند و چیزی که طرح می شود بایستی بشود علیهش صحبت بشود کسی نمی تواند اینجا برخلاف قانون اساسی صحبت کند آقایان هم قسم خورده اند بحفظ و احترام قانون اساسی از این لحاظ عقیده ما این است که این موضوع اصلاً قابل طرح و بحث نیست کسی نمی تواند با آن مخالف باشد (صحیح است) فوریتش هم اگر اختلافی بوده است که رفع شده است اگر واقعاً حسن نیت و علاقه بحفظ سنت های مشروطه باشد برای اینکه يك سابقه بدی برای آینده برای يك دولتهائی و يك اکثریتهائی که شاید قصدهای ناگفتنی داشته باشند وجود بیاید بنظر ما نه فوریتش صحیح است و نه اصل موضوع قابل بحث است قانون اساسی که تصویب شده است احتیاج به تکرار ندارد

نایب رئیس - آقای اخگر واقفید بفرمایید  
اخگر - جناب آقای زهری تصدیق فرمودند که این مطلب مطلبی است ساده و اصل از قانون اساسی است و فرمودند که کسی هم مخالف با آن نیست ولی پرسیدند که علت اصرار بگذراندن این طرح چیست؟ ما اصراری برای گذراندن این طرح نداشتیم يك هیتی مأمور شدند از طرف مجلس رفتند گزارشی تهیه کردند و در آن گزارش خواستار شدند که این گزارش در مجلس

قرائت و تأیید بشود مخالفت هائی که با گفتگو شدن این مطلب در مجلس شد ما را مجبور کرد برای اینکه یافشاری کردیم والا همانطور که فرمودند مطلبی است ساده که مربوط دو اصل قانون اساسی است و اصلاً موضوعی نیست که ربطی با اختلاف دربار و دولت داشته باشد همانطوری که فرمودند بین دربار و دولت اختلافی نیست این يك حقی بوده است برای دولتهای وقت و قبلاً هم بواسطه پیش آمدهاییکه شده است این حق از بین رفته بود و برای حالا هم نیست برای همیشه و برای تثبیت قانون اساسی است که هر کس موظف است کار خود را بکند اشخاصی که مسئولیت دارند اختیار هم باید داشته باشند و اشخاصی که اختیار دارند مسئولیت هم باید داشته باشند باین مناسبت این طرح مطرح شده و همانطوری که ملاحظه فرمودید اکثریت قریب باتفاق مجلس هم با آن موافق است چون مصلحت است

نایب رئیس - بنا بر این اعلام رأی می شود فوریت سوم یعنی طرح فی المجلس تقاضای رأی باورده هم شده است آقایانی که موافقت ورقه سفید خواهند داد

(اسامی آقایان نمایندگان بقرار ذیل بوسیله آقای نجفی اعلام و در محل نطق اخذ رأی بعمل آمد)

آقایان: مهندس زیرک زاده - مهندس حسینی - دکتر سنجابی - پارسا - دکتر ملک - انگجی - میلانی - ناصر ذوالفقاری - محمد ذوالفقاری - صفائی - دکتر معظمی - محمد حسین قشقائی - دکتر کیان - امامی - اهری - گنج - پور سیرتیب - کهبند - دکتر فاخر - مجتهدی - موسوی - امیر اشرافی - حمیدیه - امیر افشاری - قنات آبادی - جلالی - حاج سیدجوادی - شهیدی - دکتر فلسفی - کریمی اخگر - نبوی - افشار - اقبال - مدرس - خلخالو - وکیل پور - مصدقی - تولیت - دکتر طاهری - ذکائی - مکی - زهری - مجد زاده - دکتر بقائی - شاپوری - شبستری - افشار صادقی - شادلو - شوکتی - جلیلی - دادور - مهندس فروری - خسرو قشقائی - فرزانه - ریگی - احمد فرامرزی - صفائی - نریمان - حائری زاده - رفیع - هدی - شهاب خسروانی - متمدن ماوندی - ناظر زاده - نجفی - ملک مدنی - منصف

(آراء مأخوذه شماره شده ۴۵ ورقه موافق و ۳ ورقه مخالف و شش ورقه سفید بی اسم بود)  
نایب رئیس - فوریت سوم یعنی موافقت با طرح فی المجلس با ۴۵ رأی موافق تصویب شد  
اسامی موافقین - آقایان: نریمان - شادلو - گنج - موسوی - کهبند - منصف - جلالی - اخگر - حاج سید جوادی - رفیع - خسرو قشقائی - دکتر فاخر - دکتر کیان

مدرس - ذکائی - شاپوری - دادور - نجفی - دکتر طاهری - متمدن ماوندی - مکی - جلیلی - شبستری - ناظر زاده - محمد حسین قشقائی - دکتر ملک - امیر افشاری - شهاب خسروانی - ریگی - ناصر ذوالفقاری - پارسا - انگجی - مهندس فروری - مصدقی - فتحعلی افشار - خلخالو - نبوی - دکتر فلسفی - اقبال - ملک مدنی - شهیدی - امامی - اهری - محمد ذوالفقاری - میلانی - مهندس حسینی - صفائی - دکتر معظمی - مجتهدی - مهندس زیرک زاده - دکتر سنجابی - مجد زاده - شوکتی - وکیل پور  
اسامی مخالفین - آقایان: امیر اشرافی - حمیدیه - افشار صادقی

ورقه سفید علامت امتناع ۶ ورقه (که در یکی از آنها کلمه «آرزو» نوشته شده)  
نایب رئیس - اصل طرح قرائت می شود و مطرح می شود (تشریح زیر قرائت شد)

مجلس شورای ملی  
برای اینکه گزارش هیئت هشت نفری بر طبق آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی مطرح و بصورت قانونی در آید امضا کنندگان ذیل پیشنهاد آن هیئت را به صورت ماده واحده باقید ۳ فوریت تقدیم و تقاضای تصویب آنرا داریم

ماده واحده - نظر باینکه موافق اصل ۳۵ متمم قانون اساسی سلطنت و دیه ای است که بموهبت الهی از طرف ملت بشخص شاه تفویض شده و طبق اصل ۴۴ متمم شخص پادشاه از هر گونه مسئولیت مبری است و از طرفی طبق همین اصل و اصل ۴۵ متمم مسئولیت ادارات امور مملکتی بمعهده وزراء و هیئت دولت میباشد بدیهی است که اداره و مسئولیت امور مملکتی اعم از کشوری و لشگری از شئون مقام شامخ سلطنت نبوده و حقوق هیئت دولت و وزیران است که در اداره امور وزارتخانه های مربوطه بنام اعلی حضرت هماهنگی می و کوشش در اجرای مقررات قانونیکه نموده بمنحصراً مشترکاً دو عهده مسئولیت در مقابل مجلس شورای ملی برآیند

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی  
دکتر بقائی - در اینجا آقایان محترم مواجه باینکه موضوعی هستند که اگر درست توجه نکنند و به که آن بی نبرند ممکن است متناقض بنظرشان برسد و آن این است که بنده یکی از امضا کنندگان هیئت هشت نفری هستم آمده ام و با لایحه ای که روی این گزارش تنظیم شده است مخالفت بکنم برای اینکه مطلب روشن بشود و آقایان نمایندگان محترم بتوانند توجه بفرمایند این تناقض ظاهری از کجایان ناشی شده است بنده مجبورم باختصار يك مقدمه ای بر این موضوع عرض کنم که آن مقدمه همان است که در این گزارش آمده است

مجلس هشت نفری بوجود آمد و چطور شد که بصورت طرح در آمد البته آقایان محترم بغاظر دارند که صبح روز شنبه ۹ اسفند ماه از طرف مقام ریاست معظم مجلس شورای ملی با آقایان نمایندگان محترم مجلس اطلاع داده شد که برای شرکت در جلسه خصوصی بمجلس بیایند این راهه آقایان بغاظرشان هست بله؟ وقتی که ما آمدم بمجلس ختم بسته گریخته آقایان نمایندگان يك اطلاعی پیدا کرده بودند و آن اینست که شاه می رود بمسافرت دلیل رفتنش چیست هیچکس نمی دانست در موقعی هم که ما بمجلس آمدم اگر آقایان خاطرشان باشد فرا کسیون محترم نهضت ملی ساعتی بود که تشکیل جلسه داده بود مقدمه این موضوع خیلی زیاد است نمی خواهم اسباب تصدیق آقایان بشوم فقط این نکته را عرض کنم که رفتن شاه مسلم بود و هیچکس از نمایندگان خارج از فرا کسیون نهضت ملی اطلاعی از این رفتن نداشتند (مهندس حسینی - فرا کسیون نه از رفتنشان نه از دلیلش اطلاعی نداشت) اجازه بدهید من ثابت میکنم عجله نکنید وسط حرف من هم ندوید چون يك مطلب مهمی را میخواهم بپوشانم این تریبون ثابت کنم و آن اینست که آقایان می خواستند رژیم این مملکت را تغییر بدهند (همه نمایندگان زنك رئیس) (جمعی از نمایندگان - دروغ است) اجازه بدهید من حرفم را بزنم بیایند رد کنید بادلایل بامدرک ثابت میکنم که شما با بقانون اساسی خیانت کرده اید (دکتر معظمی - دروغ میکنونی در حالی که قرآن را بلند کرده بود) باین قرآن دروغ میکنونی (فرا کسیون بیرون نشسته خلی هافرآن بیرون کشیدند در ده سر نیزه بیایند جواب بدهید بگذارید من حرفم را بزنم اگر نمیترسید بگذارید من حرفم را بزنم بیایند رد کنید (بعضی از نمایندگان - شلوغ نکنید) (پارسا - صدای بلند کردن که مدرک و دلیل نیست) شما شلوغ کردید سالت باشید بگذارید استدلال من را بکنم بعد بیایند جواب بدهید (دکتر معظمی - بنده جواب میدهم) بنده هم جواب می خواهم بنده نفتم اگر این طرح بمجلس کشیده شد می گویم آن حرف هائرا که ناپستی گفته شود (بعضی از نمایندگان - بگویند ولی دروغ نگویند) (میراشرفی - آقای رئیس چرا جلسه را ساکت نمیکنید؟ اما تا من صدایم در می آید فوراً زنك میزنید)

**نایب رئیس** - ساکت باشید شاحق اظهار نظر ندارند

**میراشرفی** - بنده حق دارم اظهار نظر بکنم جناب عالی بیاید بی طرف باشید

**نایب رئیس** - ساکت باشید

**میراشرفی** - ساکت هم نمی شوم وقتی که شما بی طرفی را رعایت نمیکنید مسخره کرده اند خیال کردند با این حرفها می شود جمهوری درست کرد آرزو را بگور باید

بیرید بگور سرفر آقا

**نایب رئیس** - آقا ساکت باشید

**دکتر بقائی** - مدارا طرف این موضوع فکر میکردیم میدیدم که رفتن اعلیحضرت همایونی به اروپا ممکن است یکی از چند علت داشته باشد یا اینکه اعلیحضرت مبلشان کشیده است يك سفری بروند باروفا تفرجی بکنند یا يك کسالت مزاجی باعث اینکار شده یا اینکه بعنوان تعرض نسبت بدولت اینکار را میخواهند بکنند یا اینکه يك توافق معرمانه ای بین مقام سلطنت و دولت شده باشد برای يك موضوعی که نمیدانم و تصمیم گرفته شده باشد که اعلیحضرت برای يك مدت کوتاهی در مملکت نباشند یا اینکه این با اینکه آخر رادرس توجیه بفرمائید یا اینکه بشما گفته باشند که شما باید تشریف ببرید (میراشرفی - این درست است) ولی ماهیچ اطلاعی راجع با اینکه علت این مسافرت چیست نداشتیم اینجا هم از هر کس که پرسیدیم کسی اطلاع نداشت و تکرار میکنم امروز فرا کسیون نهضت ملی از ساعت ۹ تشکیل جلسه داده بودند و اگر آقایان بغاظرشان باشند وقتیکه ما رفتیم در جلسه خصوصی نشستیم مدت ها منتظر شدیم تا اینکه آقایان مذا کیراتشان در فرا کسیون تمام شد و تشریف آوردند من خیلی متأسفم آقای دکتر معظمی که شما اینجا قرآن بیرون کشیدید (در این موقع از طرف یکی از تماشاچیان تظاهری شد و طبق دستور نایب رئیس از جلسه خارج شد)

**نایب رئیس** - بفرمائید

**دکتر بقائی** - عرض کنم موضوع دعوت مقام ریاست معظم مجلس معلوم شد راجع به همین مسافرت اعلیحضرت همایونی بود نامه ای نوشته بودند که همه آقایان محترم بغاظر دارند نوشته بودند که خبر مسافرت ناگهانی اعلیحضرت همایونی ایجاد اضطراب و نگرانی کرده است مسافرت غیر مترقبه يك همچو چیزی حالا این عبارت کاملاً بنظر من نیست روح مطلب این است که اینك به استحضار نمایندگان مجلس شورای ملی (این نکته را توجه بفرمائید) باستحضار نمایندگان مجلس شورای ملی از مقام شاهانه تقاضا میشود که از این مسافرت صرف نظر بفرمائید رئیس مجلس شورای ملی سید ابوالقاسم کاشانی این نامه خوانده شد آقایان يك مدتی همه بهمیدگرنگاه کردند ما انتظار داشتیم شاید آقایان بیکه در فرا کسیون بودند اطلاعی داشته باشند میخواهند اطلاعی بدهند شاید هم یکی دو تا ایشان خواستند اطلاعی بدهند ولی بکنفر که اسم نمیبرم اشاره کرد و ساکتشان کرد و من چون داشتم صحبت می کردم آن اشاره از نظر من دور نماند بهر حال هیچکس چیزی نگفت آقای فرامرزی گفتند نشستیم شاه دارد می رود و این وضع خوبی نیست یا شوم هم برویم در بارنگذاریم شاه برود بنده اجازه گرفتم و عرض کردم که

این رفتن ما باین ترتیب يك عمل سیاسی است برای اینکه ما نمیدانیم شاه برای چه می رود بگذریم رفتن در بار گفتند که من مریض هستم و د کتر گفته است باید همل کنم آنوقت ما بعنوان مجلس کجا برویم بنده تقاضا کردم اگر از آقایان کسی اطلاعی دارد راجع باین موضوع این اطلاع را بگویند همینجا بود که قبلاً عرض کردم که یکی دو نفر بنظر آمد که میخواهند يك چیز بگویند ولی بکنفر دیگر بهشان دستور داد که ساکت باشید باز بنده خودم پیشنهاد کردم که آقای علاء احضار شود بمجلس و از او بپرسیم آقای علاء راهم هر جاتلفن کردند هیچ جا گیر نیاروند بنده البته بعد از مذا کراتی قرار شد که هیئت رئیسه مجلس نامه ریاست معظم بمجلس راتوجه و تقدیم اعلیحضرت بکنند و تقاضا بکنند که ایشان منصرف شوند بطوریکه خاطرشان هست اینها هم رفتند مذا کره کردند اعلیحضرت هم اظهار کسالت کرده بودند و گفته بودند که من باید بروم در خلال این احوالیکه ما انتظار میکشیدیم که هیئت رئیسه برگردد و بیسیم جریان چه شده است عده زیادی مراجعه میکردند چه با یادداشت چه باتلفن که شاه برای چه میخواهد برود ما هم جواب میدادیم که نمیدانیم برای چه میروند و طبعاً ایجاد يك نگرانی فوق العاده ای در مردم کرد برای اینکه خوب در مملکت ما اگر بقال در خانه مان بخواهد برود زیارت مشهد يك هفته پیش هم خبر میشوند اگر يك پیشخدمت اداره بخواهد برود بر خصی بقم هم خبر میشوند يك وکیل و يك وزیر که جای خود دارد و آنوقت ما که در متن سیاست مملکت هستیم خبر نداریم که شاه مملکت میخواهد برود حالا آن مقدمه اش را نکندم چون يك خبر هم بیخ شد که شاه ساعت چهار بعد از نصف شب رفت خبرهای زیادی بود که کاری ندارم خبری هم صبح شایع شد که بعد از ظهر شاه می رود چرامی رود؟ هیچ کس نمیداند عرض کنم بعد آن جریانات تأسف آور روز شنبه پیش آمد کرد و این نکته را هم بنده باید عرض کنم که وقتی يك نگرانی پیش میاید و يك صحبتی میشود از طرف مردم طبعاً آن دارو دسته ها و اشخاص که دنبال آب گل آلوده میگرددند برای تاهی گرفتن خودشان را میاورند قاطی میکنند ممکن است از توی يك تجمعی چیزهایی پیدا بشود که اصلاً در فکر و مغبله آن اشخاص که دفعه اول آمده بودند جمع شده اند نبوده است این يك چیز طبیعی است هر حال جلسه خصوصی را مجدداً برای غروب همان روز شنبه و شب یکشنبه دعوت کردند و ما آمدم بمجلس و قرار شد که بکنفر از هیئت دولت احضار شود که بیاید راجع بجریانات امروز گزارش بدهد موقمی که در انتظار آمدن آن يك نفر بودیم يك دفعه دیدیم که جناب آقای نخست وزیر و رئیس ستاد و وزیر ایشان تشریف آوردند بمجلس بعد معلوم شد

که بعد از ظهر امروز ریخته بودند توی خانه شان و ایشان هم از نزدیک ریخته بودند بستاد و فقط يك نکته برای بنده مبهم است و آن اینست که جناب آقای د کتر مصدق که بدر بار شرفیاب شده بودند حضور اعلیحضرت و از آنجا آمده بودند بمنزل و بعد نیم ساعت یکساعت بعدش هم آن حمله بغانه ایشان اتفاق افتاده بود از لحاظ تاریخی آن نکته ای که برای من تاریک مانده بود این است که ایشان با بیروما که گرفته بودند بدر بار بالباس رسمی ریخته بودند کی فرصت کرده بودند که لباسشان را عوض بکنند و بایز اما بیایند خوب این يك چیز کوچکی است (مهندس حسینی - تخیر خیلی مهم است) صبر کنید آقای مهندس حسینی فرصت استوس برایتان خیلی است خیلی زیاد است جلسه خصوصی مجلس تشکیل شد ابتدا آقای دکتر شایگان همکار غایب ما بلند شدند و يك مقداری صحبت فرمودند در ضمن صحبتشان گفتند که صحبت اینكه اعلیحضرت همایونی برای معالجه میخواهند باروفا بروند از دو ماه پیش که ایشان یعنی ایشان گفتند بنده مقصود خودشان بود بایکمه از آقایان که اگر اشتباه نکنم یکیشان آقای میلانی بودند شرفیاب حضور اعلیحضرت بودند اعلیحضرت فرمودند که من میخواهم بروم باروفا برای معالجه و آقای دکتر شایگان گفتند که من جداً باین تصمیم اعلیحضرت آرزو اعتراض کردم و گفتم که هیچوجه صلاح نیست اینکار بشود و اگر بغاظر داشته باشید جناب آقای دکتر شایگان آنکسانی هم که در آرزو همراهشان بودند بشهادت طلبیدند گفتند که آقایان بطور نبود (پارسا - بنده بودم ولی اینطور نبود دو ماه قبل اعلیحضرت همایونی ایشان فرموده بودند که میخواهم بمسافرت بروم و ایشان گفته بودند که بصلاح مملکت نیست و آرزوی که خدمت جناب آقای میلانی رفتم همچو صحبتی نشد) مقصودم همان صحبت دو ماه پیش بود تصحیح میکنم صحبت خودم را مقصود همان صحبت بود اما باز يك هفته دیگر هم باید از هم اسفند برویم عقب اگر بغاظر آقایان باشد روز جمعه قبل از نهم اسفند يك دفعه يك خبری منتشر شد که جناب آقای دکتر مصدق میخواهند روز سه شنبه از زاد بو صحبت کنند و پرده هارا بالا بزنند و گفتنی هارا بگویند و همه دست پاچه شدند که این مطالب گویا چه باشد و چه نباشد فرا کسیون نهضت ملی هفت نفر را بنمایند کی خودشان معین کردند که بزنند با آقای دکتر مصدق صحبت کنند آقایان تشریف بردند با ایشان صحبت کردند روزی صحبت هائی که با ایشان شده بود ریخته بودند با اعلیحضرت همایونی هم صحبت کرده بودند مجدداً آقای دکتر مصدق صحبت کرده بودند این تکرار بفرمائید تا جواب عرض کنم

گردم آن هیئت هفت نفری رفتند با دکتر مصدق صحبت کردند و بعد رفتند با اعلیحضرت همایونی هم صحبت کردند و بر گشتند مجدداً با دکتر مصدق صحبت کردند (حاج سید جوادی - بعد هفت روز دربار آن هفت نفر رفتند)

**دکتر بقائی** - عرض کنم آقای دکتر مصدق در روز جمعه قبل از نهم اکتفاد از عده ای دعوت کرده بودند (دکتر معظمی - آقای میلانی و آقای ملک مدنی و آقای دکتر شایگان را دعوت کرده بودند) آن سه نفر را دعوت کرده بودند در حضور آن سه نفر بوسیله آقای والایار پیغام می دادند بودند در بار و یک الکتانومی داده بودند که سه شنبه من توی رادیو حرف میزنم روی این جریان فرا کسیون نهضت ملی هم ۷ نفر را انتخاب کرد.

**دکتر معظمی** - در اینجا اشتباه می کنید آقای والایار تلفن کردند از طرف دربار دعوت کردند که چند نفر از فرا کسیون شرفیاب شوند بعد اعضای فرا کسیون گفتند که چون ما عضو فرا کسیون هستیم اگر سایل هستند از فرا کسیون دعوت کنند بعد ایشان رفتند بمرض اعلیحضرت رسانیدند و دعوت کردند هفت نفر را بدون اینکه اصلاً مطلب در فرا کسیون مطرح شود که برای چه میروند

**دکتر بقائی** - بعد از آنجا رفتند به دربار خدمت آقای دکتر مصدق هم رفتند (دکتر معظمی - آنرا هم مرض میبکنم حالا بفرمایند) - بالاخره روز بعد هم از سفر دین مجلس آمدند از دربار خواستند آنها هم رفتند صحبت کردند با آقای دکتر مصدق هم صحبت کردند موضوع سفرانی توی رادیو منتفی شد این سابقه بود بر آن لاحقاً اینکه قبلاً عرض کردم موقعی که صحبت آقای دکتر شایگان تمام شد همکار محترم بنده جناب آقای دکتر معظمی باشند یک نطق خیلی مؤثری در آن جلسه در شب یکشنبه دهم اسفند فرمودند و ضمناً گفتند که بنمایند کی فرا کسیون روز جمعه قبل که خدمت جناب آقای دکتر مصدق بودم که میشود شنبه سوم اسفند؟ (دکتر معظمی - بلی) جناب آقای دکتر معظمی را از دربار خواسته بودند بروند پای تلفن و گفته بودند آقای دکتر معظمی که اعلیحضرت برای معالجه میخواهند بروند با رویا و خواسته بودند که آقای دکتر معظمی این پیغام را با آقای نخست وزیر دهند. آقای دکتر معظمی هم از آنجائی که خیلی در همه امور محتاط هستند گفته بودند که من چرا این پیغام را بدهم خودتان بیایید این پیغام را بدهید، بهر حال هفت نفر آقایان منتخبین فرا کسیون نهضت ملی دور تخت خواب جناب آقای دکتر مصدق بودند آقایان علاء و حشمت الدوله والایار آمده بودند آنجا و گفته بودند که اعلیحضرت برای معالجه میخواهند بروند اروپا (پارسی - این هم در روز است آن هفت نفر)

حضور نداشتند) (میلانی - اشتباه است) اجازه بفرمائید الان ثابت میبکنم که حضور داشتند. آقای دکتر معظمی در آن جلسه خصوصی بقیه داستان آن مسافرت را واگذار کردند باینکه خود آقای دکتر مصدق بگویند آقایان خواهش میبکنم باین نکات توجه بفرمایند چون اینها یک نکات خیلی کوچکی است ولی برای تاریخ خیلی اهمیت دارند. جناب آقای دکتر مصدق باشند صحبت کردند اولاً راجع به مداخلات دربار در امور صحبت کردند ثانیاً راجع به مذاکرات خودشان با اعلیحضرت صحبت کردند و ثالثاً راجع به همین جریان مسافرت صحبت کردند و ایشان اینطور گفتند (آقایان خواهش میبکنم توجه بفرمایند چون این یک نکته حساسی است من میخواهم استشهاد بکنم از آقایان) ایشان اینطور فرمودند که وقتی آقایان بهلوی من نشسته بودند آن نمایندگان منتخب نهضت ملی آمدند بعد گفتند که آقای دکتر معظمی را از دربار پای تلفن خواستند آقای دکتر معظمی باشند رفتند پای تلفن آمدند بارفقایان نجوی کردند. آقای دکتر مصدق اینطور گفتند این حرف را آقایان یادشان هست (صحیح است) و بعد من دانستم که موضوع مسافرت شاه است این چیزیکه آقای حاج سید جوادی تکذیب کردند آقایان تصدیق کردند (پارسی - این نبود جناب آقای دکتر بقائی) خواستند ضمناً تکذیب کنند که ما هم از مسافرت خبر نداشتیم بنده از تمام این مقدمات خواستم نتیجه بگیرم که تمام آقایان که آنجا تشریف داشتند همه از مسافرت اطلاع داشتند و آقای دکتر مصدق هم باز گفتند که آقای دکتر معظمی قول گرفته اند از رفقایان راجع باین موضوع چیزی گفته نشود (دکتر معظمی - بر حسب خواهش آقای علاء) - بر حسب خواهش هر کسی یعنی جناب عالی قول گرفتید از آقایان که این مطلب افشا نشود اینجا باید تاریخ مملکت روشن شود یک چیز خیلی مهمی است (پارسی - خیلی کوچک است) پس آنچه که بطور مسلم و غیر قابل تکذیب از این تصدیقی که تا اینجا کرده اند اینست که آقایان ۷ نفر منتخبین فرا کسیون نهضت ملی روز شنبه سوم اسفند ماه ۳۳۱ اطلاع داشته اند که اعلیحضرت در آن هفته برای معالجه به مسافرت خواهند رفت (حاج سید جوادی و پارسی - در آن هفته نه) (دکتر سنجابی - روزش به چوچه معلوم نبود بلکه هفته اش هم معلوم نبود) بحث ما سر هفته و روزش نیست آقای دکتر سنجابی، پس آقایان اطلاع داشتند که چنین مسافرتی هست و اختلاقی هم تا اینجا نیست و قول هم داده بودند که هیچ جا صدایش در نیاید یک نکته دیگری جناب آقای دکتر مصدق در نطق آنروز گفتند که در بعضی از روزنامه ها

نوشته شد و آن این بود که من شاه گفتم باشما تشریف ببرید یا من رفرا اندم میبکنم در آن جلسه مذاکره چهار ساعتی که دنباله این مذاکرات شد (مهندس حسینی - کی آقا چنین چیزی بود اینطور نیست) بعد بفرمائید تکذیب کنید (میلانی - سکوت ما دلیل بر رضا نیست) البته صحبت رفرا اندم که بنده نکرده بودم همه میدانند که صحبت آقای دکتر مصدق بود عرض کنم حالا کار به صحبت های دیگری که آن شب شد نداریم بنده نمیخواهم وارد آن چیزها بشوم چون وقت کم است همین یک موضوع را دنبال میبکنم. بعد جلسه که بهم خورد بنده خدمت یکی از آقایان عرض کردم که آقا شما که خبر داشتید چرا برای ما چیزی نگفتید که شاه به مسافرت میرود جوابی نداشت بدهد بفرودم هم گفتم جوابی نداشت بدهد بفر سوم هم گفتم جوابی نداشت بدهد چون یک مطلب مسلم بود و آن این بود که اگر آنروز صبح ما و کلای مجلس اطلاع پیدا کرده بودیم که شاه بطور عادی به مسافرت میرود، مریض است برای معالجه میرود یا دلش میخواهد برود فرنگ تفریح کند بطور مسلم نصف این تشنج بوجود نیامد، اگر بنده میدانستم حزب زحمتکش ملت ایران در این کار دخالت نمیکرد و شاید آقایان تصدیق داشته باشند که حزب مادراین کار خیلی تأثیر داشت اگر همین قدر صبح می دانستیم که شاه برای معالجه می خواهد برود اقدامی نمیکردیم بنده این مطلب را از سه نفر از آقایان سؤال کردم نتوانستند بمن جواب بدهند که چرا ما نگفتند که شاه برای معالجه می خواهد برود تا این که نفر چهارم رسیدیم با آقای دکتر معظمی که اگر قرآن نمی کشیدند بیرون بنده اسم ایشان را نمی بردم ولی چون قرآن کشیدند بیرون (دکتر معظمی - در چه ساعتی این فرمایشها را فرمودید؟) ساعت ده شب بود. بایشان عرض کردم که چرا نگفتید که شاه میخواهد برود چون ایشان همیشه متخصص فرمول و جواب هستند گفتند که آقا ما قول شرف داده بودیم که راجع باین موضوع چیزی نگوئیم (صحیح است) آقایان همه قول شرف داده بودند که کسی نکویید شاه میخواهد برود بفرنگ (حاج سید جوادی - همین جا کلاه سرما رفت بتقاضای آنها) (کریمی - و خیلی جاهای دیگر) شما این را قول دادید بتقاضای آنها یا غیر آنها شما قول شرف داده بودید بکسی نکویید که شاه میخواهد به مسافرت برود ولی این را توجه کنید آقای دکتر معظمی، شما قول داده بودید که نکویید شاه میرود به مسافرت گفتم چیز دیگری قول داده بودید وقتی که معلوم شد رفتن به مسافرت شاه چراغش را بیان نکردید بوجه دلیل نگفتید ما خبر داریم برای معالجه میرود این نکته حساسی است آقایان نکته

حساس این جا است که نگفتند شاه برای معالجه میرود آقایان قول شرف داده بودند که نکویید شاه می خواهد برود به مسافرت من قبول دارم پای قولشان هم ایستادند ولی چرا وقتی که معلوم شد شاه میخواهد برود به مسافرت چرا نگفتید میخواهد برای معالجه برود این یکی ولی تمام نشد وقتی که رئیس مجلس یک نامه می نویسد روی کاغذ عادی خودش امضا می کند بفرستد این یک نامه ایست از طرف حضرت آیت الله گلشانی ولی وقتی که این روی نامه مارک دار مجلس نوشته شد نامه ایست از طرف مجلس ولی اگر در این نامه قید شده باشد با استحضار نمایندگان مجلس یعنی این نامه از طرف مجلس است برای این جلسه خصوصی دعوت کردند این نامه در آنجا قرائت شد تویش نوشته شد با استحضار نمایندگان مجلس شورای ملی این را شما از هر کس میخواهید بروید ببرید معنای این قید جمله (با استحضار نمایندگان مجلس شورای ملی از خبر غیر مترقبه مسافرت شاهنشاه مضطرب و نگران شدیم ما تقاضا میبکنیم که اعلیحضرت از این مسافرت صرف نظر بفرمایند) (خلخالی - این نامه کی خوانده شد؟) توی جلسه خصوصی بود شاید شما تشریف نداشتید یک عده زیادی از آقایان بودند خوب اینجا که من عرض میبکنم که آقایان منتخبین فرا کسیون نهضت ملی قولشان را هم حفظ کرده بودند و توی فرا کسیون هم بروز ندادند گواهی که این یک عمل فرا کسبونی نیست ولی فرض می کنیم که بروز ندادند گواهی که دلیل هم دارم که بروز دادند و آن دلیلش را نمی گویم حداقل این است که شش نفر از آن هفت نفر قول دهنده توی آن جلسه خصوصی حضور داشتند (دکتر معظمی - من تصادفاً نبودم) بلی گفتم شش نفر چون جناب عالی مرد بسیار دانا و فطنی هستید و آنروز تشریف نداشتید و خود این برای من دلیل است بطور تصادف هم نبود (دکتر معظمی - تصادف بود درس در دانشگاه داشتیم) بلی وقتی که این روزها پیش می آید جناب عالی کار خارج دارید ولی اگر شما قرآن تکشیده بودید بیرون بنده این حرفها را نمی بردم چون قرآن کشیدند بیرون مکلف میدانم خودم را آقای دکتر معظمی تصادفاً آنروز درس داشتند نیامده بودند ولی آن ۶ نفر بودند آقایان نمایندگان منتخب فرا کسیون نهضت ملی شما چرا اجازت دادید که یک چنین دروغی بنام شما نوشته شود چرا شما گفتید که ما استحضار نداریم یا نگرانی نداریم کاغذ را رئیس مجلس بنام شما فرستاده است شما را دعوت کرده است توی جلسه خصوصی میخواهد اگر کسی مخالفت نکند بفرستاده شود شما که اطلاع دارید پس چرا بدروغ اظهار بی اطلاعی میبکنید؟ (پارسی - دانستن ما دلیل ندارد که ... ) آقایان بعد حرف بزنیم وقت ندارم (دکتر رئیس)



( حاج سید جوادی - آقای آقاچرا بهتان میزنید شما ) ( میر اشرفی - آقای حاج سید جوادی تو که آبروی هر چه صدامه سراسر است بردی ) ( زنک رئیس ) آقایان انتظار نداشتند که مطلب اینطور فاش شود . داد بزین قربان دردت گرفته است داد بزین قربان بروم ( مهندس حبیبی - اینها هوجوی بازی است )

**قات آبادی - جناب آقای رئیس**  
جنابعالی از بیطرفی خارج میشوید

**نایب رئیس - آقای دکتر بقائی**  
جنابعالی صحبتتان را بفرمائید

**دکتر بقائی - آقای ملاحظه می فرمائید که آقایان روی صحبت من چکار میکنند من نیم ساعت مقدمه میچینم تا می خواهم از این کار نتیجه بگیرم آقایان می ترسند رسوا بشوند هباهو میکنند رسوا هستید وقتی که کسی میخواهد زیر قوسش بزند کسی که میخواهد قانون اساسی را تغییر بدهد کسیکه میخواهد تغییر رژیم بدهد این که نمی باید بپند نپتی بدهد این که نمی آید در یک محکم شرع اظهار بکند بنده نیم ساعت صحبت میکنم زحمت میکشم مقدمه میچینم وقتی که میخواهم از یک نکته حساس استفاده بکنم و نتیجه برسم تا میخواهم به نتیجه برسم بلافاصله آقایان دردشان می گیرد و شروع میکنند به هوجوی کردن شماها گوش کنید بفرمائید جواب بدهید ( مهندس حبیبی - بشرطی که استناد بسکوت ما نکنید ) در صورت جلسه قید کنید که بنده بسکوت هیچک از آقایان اعضای فرا کسیون نهضت ملی تا آخر این جلسه تا وقتی که دارم صحبت میکنم بسکوت آنها استناد نمیکند پس ساکت باشید**

**نایب رئیس - آقای دکتر بقائی وقت**  
جنابعالی تمام شده است

**دکتر بقائی - موضوع معاکمه تاریخی است موضوع توطئه ایست که برای تغییر رژیم بود که بنده نمیتوانم یک ربع ساعت تقاضای وقت بکنم اگر آقایان می خواهند این موضوع روشن بشود اگر آقایان نمی ترسند پرده ها بالا بروند آقایان موافقت کنند تا مطالب تمام بشود صحبت کنم**

**نایب رئیس - چند دقیقه وقت می خواهید ؟**

**دکتر بقائی - تا حرفهایم تمام شود**

**دکتر معظمی - وقت نامحدود**  
نمی شود وقتی را تعیین بفرمائید موافقت میکنیم

**دکتر بقائی - نامحدود بنده وقت میخواهم راجع باین موضوع :**

**نایب رئیس - بند ب از قسمت پنج**  
از ماده ۸۹ میگویید در موارد استثنائی ممکن است مدت نطق در موارد فوق برای مجلس اضافه شود آقایان ممکن است برای نیم ساعت اضافه نطق آقای دکتر بقائی

موافقت بفرمائید

**دکتر بقائی - بنده میخواستم صحبت کنم راجع باین موضوع چند ساعت وقت میخواهم**

**نایب رئیس - چند وقت میخواهید**

**دکتر بقائی - بنده ممکن است که یک ساعت حرفم تمام شود یا دو ساعت طول بکشد بنده پنج ساعت وقت می خواهم چون بنده که نمیتوانم بگیرم نیم ساعت وقت می خواهم برای اینکه نمیتوانم می تقاضای وقت بکنم**

**نایب رئیس - آقای دکتر بقائی**  
اضافه وقت را باید تعیین بفرمائید تا رای بگیریم

**دکتر بقائی - خیلی خوب بنده چهار ساعت اضافه وقت میخواهم**

**نایب رئیس - نسبت یک ساعت رای**  
میگیریم آقایانیکه موافقت یک ساعت آقای دکتر بقائی صحبت کنند قیام کنند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد چون مجلس خسته است ده دقیقه تنفس می دهیم و بر میگردیم مجلس

( مقارن ظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل و ده دقیقه بعد از ظهر مجدداً تشکیل گردید )

**نایب رئیس - آقای دکتر بقائی**  
بفرمائید

**دکتر بقائی - صحبت در جلسه خصوصی صبح شنبه هم اجتناب بود موقتی که مرقومه حضرت آیت الله کاشانی خوانده شد و توی آن مرقومه تصریح شده بود با استحضار نمایندگان مجلس شورای ملی و گفتم که ۶ نفر از هفت نفر منتخبین فرا کسیون معترض نهضت ملی در آن جلسه تشریف داشتند سؤال این بود که این آقایان چرا اجازه دادند یک مطلب دروغی از طرف آنها اعلام شود آقایان که علت مسافرت را می دانستند قاعده نمی بایستی اضطراب و نگرانی داشته باشند پس وقتیکه این آقایان حاضر میشوند با سکوت خودشان یک مطلب دروغی از طرف آنها اعلام شد این آقایانیکه اینجا می نشینند و اگر من یک کلمه یازده را زبانم گرفت گفتم دوازده اینجور فریاد میکشند که آقا یازده بود تو چرا گفتی دوازده آنجا ساکت هیچ بروی خودشان نمی آورند که با استحضار نمایندگان مجلس نوشته میشود و منم یکی از نمایندگان هستم و هیچ نگرانی ندارم شاه برود برای این حرفه که قسم نخورده بودند این حرف را بزنند پس می دانید که این سکوت آقایان در آن روزی یک نقطه ای بود و برای اینکه آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی یک مطلبی را بنده یاد آوری کرده باشم تا بتوانند در قضاوت خودشان صحیح قضاوت بکنند اگر آقایان غیر اعضای فرا کسیون نهضت ملی که آن روز در جلسه خصوصی حضور داشتند بعد از آن سه ربع یک ساعت**

که آن موقع ما منتظر اعضای محترم فرا کسیون نهضت ملی بودیم برای اینکه جلسه خصوصی تشکیل بشود اگر آقایان خاطرشان باشد وقتیکه در باز شد و آقایان اعضای محترم فرا کسیون نهضت ملی وارد اطاق جلسه خصوصی شدند همه با گردنهای افراشته همه با یک لبخند فتح و ظفر روی لبانشان مثل اینکه از یک فتح برگشته وارد شدند و نشستند این را خواهش میکنم که آقایان روی حافظه خودشان مرور کنند و یادشان بیاورند ولی در جلسه خصوصی که آن شب تشکیل شد همان شب یکشنبه با اصطلاح که بهمدش آقای نخست وزیر آمدند بنده هم اگر آقایان یادشان باشد وقتیکه اعضای فرا کسیون آمدند توی جلسه و این را من با دوسه نفر از رفقایمان آنجا توی جلسه صحبت کردیم بالعکس سیلها آویزان بایک حالت پکری یک حالت ناگوار و در سیمای همه آقایان خوانده شد در صورتیکه صبح یا قیافه باز با کردن کشیده حالت فاجعانه با تبسم آمدند که بلی ما رژیم را تغییر دادیم شب دیدند نشد با حالت نگرانی آمدند این مطلب را برای کسانی گفتم که در هر دو جلسه بودند و حتماً باین موضوع پی برده بودند توجه می فرمائید عرض کنم بنده باردیگر نمیخواهم راجع بحریانات و نگرانیها صحبت کنم خیلی طول میکشد و از مطلب خارج میشویم باینجهت سعی میکنم که تمام عرایضم در اطراف این یک موضوع باشد تشنج در مملکت ایجاد شد مردمیکه رفته بودند برای اینکه نگذارند شاه برود و روزنامه های دولتی وانمود کرده بودند که مردم برای مشایعت رفته بودند همه می دانند که تا صبح آنروز آن چند نفر آقایانیکه قسم خورده بودند بهیچکس نگویند کس دیگری اطلاع از موضوع مسافرت نداشت بقیه جز آنرا همه می دانید بنده هم جزئیاتش در خاطر من نیست معترض نمیشوم امیرسیم باینکه بعد از مذاکرات و کشمکشهای بسیار قرار شد که از طرف مجلس در جلسه خصوصی البته این پیشنهاد شد که برای جلسه رسمی نداشت قرار شد که یک هیئت هشت نفری تعیین شوند برای رسیدگی و رفع اختلافات که بنشینند و ببینند که موضوع چه بود یک راه حلی پیشنهاد کنند برای اینکه تشنج از بین برود این هیئت هشت نفری انتخاب شدند و بنده هم با وجود اینکه داوطلب نبودم و تقاضا کردم که بنده را معفو بدارند مورد قبول واقع نشد و بنده هم انتخاب شدم و یکی از آنها بودم و بنده نمیخواستم قبول کنم برای این بود که بنده مدتها است حد اقل از آخر مرداد ماه پارسال هیچ تردیدی با جناب آقای نخست وزیر ندارم و باینجهت اگر لازم میشد که این هیئت بمنزل ایشان برود مستلزم این بود که بنده هم بروم برای این بود که نمیتوانستم قبول کنم و روی اصرار آقایان محترم بنده بالاخره قبول کردم ملاقاتها شد هفت نفر آقایان با آقای نخست

وزیر ملاقات کردند و مذاکره کردند موقعی که آقایان بدربار میرفتند بنده هم بودم صحبتهایی شد بالاخره ریشه های اختلاف معلوم شد یکی از ریشه های اصلی اختلاف بین جناب آقای دکتر مصدق و دربارانه بین دربار و جناب آقای دکتر مصدق یکی از ریشه های اصلی اختلاف این بوده است که آقای دکتر مصدق مخالف تقسیم املاک هستند یعنی این راهی را که شاه پیدا کردند یا اینکه بایشان پیشنهاد کردند که بیایند و املاکشان را تقسیم کنند بدهند بر عیال ( میر اشرفی - برای احمد آباد است ) منحصر با احمد آباد نیست این البته برای یک عده ای ناگوار است ( نریمان - پولش را هم می گیرند ) بلی پولش را میکشند ولی همینقدر هم برای یک عده ای ناگوار است آقای نریمان جنابعالی در دوره پانزدهم در مجلس تشریف داشتید در این مجلس وقتیکه صحبت شد که این املاک را بدهند بشاه که دوست عزیزمان آقای مکی مخالفت کرد و بنده و چند نفر دیگر هم مخالف بودیم وقتی که ماها خواستیم بیک صورتی آن کاملاً برنگردد بدربار صحبت از این کردیم که وقف بشود ( مکی - روی این موضوع ده دفعه هم اخطار کردند یکماه حقوق من روی آن اخطارها رفت ) بودند آقایانیکه میگفتند وقف یعنی چه این مال شاه است باید بدهیم بشاه و با کمال تعجب بعد از سه چهار سال شنیدم که همان اشخاصیکه مخالف بودند عنوان وقف روی این املاک گذاشته شود همین روزها توی جلسه خصوصی می گفتند و اسلاما شاه چه حق داشته که املاک مرقومه را تقسیم بکنند همین آقایان هم نمیترسند که اسباب ریا بشود از این چیزها ما خیلی دیده ایم عرض کنم اساس قضیه این بود که شاه شروع کرده بود بتقسیم املاک با همین صورت خودش ولی شما نمیدانید جناب آقای نریمان ما با کشاورزها تماس داریم و نمیدانید این موضوع چقدر و تا چه اندازه جلوی کونسیسم را میگیرد ( صفائی - اتفاقاً تأثیرش بد بود و بیشتر کرده بود ) بلی جنابعالی هم ( صفائی - بلی بنده هم مالکم ) هیچ لازم نیست که جنابعالی مالک باشید و آدم خودش در یک طبقه ای باشد و از آن طبقه باشد و بنده متأسفانه با کمونیسم مبارزه می کنم برای این کردن کلفت هائی که نمی فهمند ولی من مقصودم حفظ مال آنها نیست مقصودم حفظ استقلال و آزادی مملکت است مهم نیست که آدم حتماً از یک طبقه ای باشد اشتباه نکنید ولی یک چیز را توجه داشته باشید که درد اسلام در مملکت همیشه آنوقت زیاده میشود و جایش زخم میشود که بعضی از طبقات یک پت بشود یک تلنگر بخورد یک نگاه کج بشود فوری اسلام متزلزل میشود و این خیلی اسباب تأسف من است که این دین حنیف را اینجور آلت بکنند عرض کنم درد اصلی این بود که جناب آقای دکتر مصدق با تقسیم املاک مخالف است ولی بنده راضی

است بنده که مالک هستم اگر آن همسایه ملکی من آمد یک چیز زیادتری بر عیال او کشاورزها داد طبعاً کشاورزهای من هم میگویند آنها بیشتر گرفته اند به ما هم بدهد آنها بمن چیره میشوند باینجهت بنده باید یک کاری بکنم که نه تنها خودم بلکه آن همسایه ملکی من هم قدمی برایشان برندارد چون اگر بنا باشد که چند هزار پارچه املاک سلطنتی تقسیم شود حالا بهر عنوان و من اینرا هم اینجا تکرار میکنم مخصوصاً که راجع بطرز عمل تقسیم املاک بنده وارد صحبت نشدم و نگفتم که این طرز عمل صحیح بوده اینرا بنده هرگز نگفتم چون این یک مطلب قابل بحثی است ولی چون جناب آقای دکتر معظمی در اینکار وارد بودند حتماً یک عمل صحیحی بوده است بهر حال جناب آقای دکتر مصدق با تقسیم املاک مخالف بودند (ملک مدنی - جناب آقای کاشانی هم مخالف بودند) شاهم مخالف هستید (ملک مدنی - من هم مخالف هستم برای اینکه مخالف دین و اسلام است و خواهش میکنم داخل این مذاکرات نشوید) خیلی معذرت میخواهم جناب آقای ملک مدنی جناب عالی مرا بعرف آوردید شما در دوره ۱۰ کسی بودید که مخالف بودید املاک به صورت موقوفه واگذار بشود و شما کسی بودید که پیروز در جلسه خصوصی میگفتید و - اسلاماً وسط حرف من حرف نزنید چون وقتی من راه بیفتم دیگر چشمهای بسته می شود و سگ نازی آباد میشود دفعه اول که گفتم اسم نیاردم خودتان مرا بمیدان کشیدید (ملک مدنی بنده هم عرض کردم که آیت الله کاشانی هم این عقیده را داشتند) (شمس قنات آبادی - جناب عالی کی از آیت الله کاشانی استفتاء فرمودید که این عقیده را اظهار کرده تقسیم از نظر فروش هیچ مانع شرعی ندارد) جناب آقای دکتر مصدق با تقسیم املاک مخالف بودند همه دیگری هم با اینکار مخالف بودند اگر یک قدری عقب بر گردیم یکی ۲ سالی بر گردیم بمقابله آقایانیکه در آن موقع در مجلس تشریف داشتند بخاطر دارند که در ابتدائی که صحبت تقسیم املاک شده بود یکی از وسائلی که آن نایب عقیده رزم آرامی آمد پشت این تریبون هارت و پورت ها قبکورد پادان هست برای آنکه و کلاً راجع بکنند همین موضوع را عنوان کرده بود آن جلسه تیکه آقایان مؤمنین در منزل آقای معذل شیرازی تشکیل میدادند برای جلو گیری از همین تقسیم املاک بود من هیچ خوش ندادم که خاطرات گذشته را بیاد بیارم چون آدم باندازه ای چیزهای یادش می آید و باندازه ای لجن میبند که متأثر میشود بهر حال مالکین بزرگ کردن کلفتها و جناب آقای دکتر مصدق - السلطنه با تقسیم املاک شاه مخالف بودند ولی یک طبقه دیگری هم بودند که با این تقسیم مخالف بودند و آن کمونیستها بودند نه آن کمونیستهای پارهنه بنده بلکه خودشان را

اینها نیست آن سران قوم، آن گردانندگان کار برای اینکه آنها خوب درک میکنند که اگر در یک دهی رعیت شکمش سیر شود و زندگیش راحت شود اگر کسی رفت و تباخی کمونیستی کرد با اردنک بیرونش میکنند اینرا تجربه میدانند اینها تمام سیاستشان تمام تاکتیک و استراتژی شان و تمام کارشان اینست که این فقر کشاورزان ایران روز بروز بیشتر و بدتر بشود و اینجامن یک نکته ای را شاید برای آخرین دفعه خدمت آقایان عرض کنم اینک تصور میکنید که بعضی از آقایان سرمایه دارها فکر میکنند که اسلام جلوی کمونیستی راه بگیرد - اشتباه میکنند - اشتباه میکنند اشتباه میکنند اسلام اگر عملی باشد جلوی کمونیسم را میگیرد این اعتقاد من است ولی اگر با اسلام عمل بشود آقایان در جبرفت یعنی حوزه انتخابیه آقای شاپوری کشاورزانی بیدامی شوند که ۳ چهار ماه از سال را با علف تغذیه میکنند آنجا تیکه کشاورز کندم و جو و برنج بکارود خودش یک قسمت از سال را با علف تغذیه بکند این دین سرش نمیشود هر کس که بگوید دین سرش میشود دروغ است (رفیع - همچو چیزی نیست) (میلانی - اسلام خیلی قدرت دارد همه چیز میتواند بکند عمل نمیکند شما میگویند اسلام جلو چیزها نیکی کرد اسلام جلوی همه مفسدرا میگیرد تو همین با اسلام نکنید) بله اگر عمل بشود آن روحانیون که باید عمل بکنند با اسلام آن هامیروند دور و بر آن کردن کلفتها و سیاست آن مالکین را اجرا میکنند (دکتر معظمی - همه اینطور نیستند) البته همه را نمی گویم تردیدی ندارم مالکین بسیار خوب در ایران داریم توی همین مجلس داریم خارج از مجلس داریم که کشاورزان را مثل اولاد خودشان میدانند اینرا بنده میدانم ولی حکم بر نادر نمیکنند حکم بر اغلب است اغلب هم این طور نیست از قدیم گفته اند شکم گرسنه دین و ایمان ندارد - آقای میلانی اگر شما ببینید یک قسمت از کشاورزان غبور آذربایجان پافشاری کردند، پایداری کردند حتی من اطلاع دارم در بسیاری از موازید بعد از بیرون کردن آن کیست اسمش را نمیخواهم بیاورم که ماده ۹۰ بخوانند) میرا شرافتی مقصودتان پیشه وری است همکاری اینجاست (میلانی) که بعد از بیرون کردن آنها دوسه جار من اطلاع دارم که بعضی از کشاورزان سهم مالک را کنار گذاشته بودند (میلانی - در اثر تبلیغات دینی ما بود) نه برای آن نبود در اثر این بود که شکمشان سیر بود گرسنه نبودند کشاورزان آذربایجان و شما هم خوب است آقای میلانی خواهش میکنم تشریف بیاورید برویم در حدود کرمان هر چه هم دلتان میخواهد تبلیغ بفرمائید آن کسیکه ۳ ماه از سلف میخورد دین سرش نمیشود خودمان را نباید گول بزیم اول شکمش را سیر کنید بعد با نظر شاهم راه میشود بهر حال که کشاورزان

ایرانی و هر ایرانی غیر از کشاورز اگر چنانچه احتیاج نداشت همچوقت گوش تبلیغات آنها نمیدهد برای اینکه در وطن پرستی ایرانی هیچ تردیدی نیست ولی یک هدیه ای هم هستند که به تبلیغات گوش میدهند فقط برای اینکه زندگی بکنند مثلاً ما اشخاصی را داریم که اینها در بعضی از شهرهای مرکزی ایران برای اینکه بتوانند تحصیل بکنند زندگی بکنند اینها گرفته بودند مسیحی شده بودند غسل تعمید کرده بودند از این چیزها ما در ایران و ولی این واقعا مسیحی نشده چون این میرود آنجا می بیند که کیشش پنجاه تومان پول بهش میدهند و شام دعوتش میکنند میرود غسل تعمید میکنند ولی اگر یک همچو شخصی توی این مملکت فرضاً کابل شده باشد یا صدهزار تومان هم اگر بهش بدهند میرود غسل تعمید بکند (میرا شرافتی - در کابینه د کتر مصدق از آن غسل تعمید کرده هاست) خواهش میکنم وسط حرف من صحبت نکنید عرض کنم کمونیستها با این تقسیم املاک مخالفند دلیلش را هم می خواهم بگویم چون این دلیلش جزء آن قرار باز پرس نبود توی روزنامه هایشان هست همانطور که ابتدای ملی شدن صنعت نفت میگفتند این فلطاست راجع باینهم مخالف هستند ما می بینیم مالکین بزرگ بکندشان کردن کلفتها آن اشخاصیکه صلاح خودشان و صلاح مملکت را نمیفهمند و در رأس همه اینها جناب آقای دکتر مصدق و کمونیستها این چهار دسته مخالف تقسیم املاک شاه هستند این رفرا ندیم و صفر اندیم و تمام این بازیها و من توی رادیو میگویم و چه میکنم و اینها تمام برای این بود که کشیدند اینقدر کشیدند تا بالاخره شاه تسلیم شد همین که اداره املاک را واگذار کرد بدوایت تمام این چیزها تمام شد حالیکه دلیل دینگر می خواهم برایتان بیاورم در ۳ چهار ماه پیش از این یعنی تحقیقاً در ۳ ماه پیش بگروز توی روزنامه ها خواندیدیم که جناب آقای دکتر مصدق تقدیر نامه بالا بلندی صادر فرموده که جناب آقای هلاک نایب رئیس سازمان خدمات اجتماعی شاهنشاهی من خیلی خوشوقت هستم که این سازمان اینقدر خوب کار کرده اینقدر خوب خدمت کرده (ناصر ذوالفقاری - آقای دکتر بقائی واقعا سازمان خدمت کرده اینرا توجه داشته باشید که واقعا خدمت کرده) حالا بان کاری ندارم مقصودم چیز دیگری است خیلی متأسفم که چون اینمعالی در نظر نبود مدار کشرا نیارده ام یک تقدیر نامه بالا بلندی از زحمات و خدمات سازمان شاهنشاهی بود و یک نکته ای هم که بنده بسهم خودم این جا باید شهادت بدهم جاهای دیگر را بنده نمیدانم چطور عمل کرده اند بنده بود یا خوب بود ولی انصافاً عملی را که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در ذوق اول انجام داده عملی است که هیچکدام از دولتهای مادر این چهل سال مشروطیت انجام ندادند (صحیح است) (چند نفر از نمایندگان - در همه جاهای مشروطیت است) جای دیگر را هم دانم ولی آنجا را

میدانم آنجا یک شهری بود سرتا یا تراخیم در کتر ملکی البته اطلاع دارند که ما آنجا صدی ۹۶ مبتلا به تراخیم بودند در ۵ شش سال مبارزه تراخیم در آنجا شده پزشکان فرهنگ آنجا بمن گفتند نشا کزدانیکه تراخیم دارند شش در صد در صورتیکه گزارش رسمی صدی ۹۶ خودم دیده ام تراخیم از بین رفته واقعا من برای شهر سازی شده که جای دیگر سابقاً مقصودم آن نیست مقصودم تقدیر نامه صحیحی است که جناب آقای دکتر مصدق کرده اند بخدمت زیادی طول نکشید در کمسیون بودجه که بودجه را دادند که یک مقداری از بودجه سازمان خدمات شاهنشاهی را حذف کرده اند تبدیلش کردند نمیدانم به قدر (معتمد ماوندی - ۲ میلیون و چهار صد هزار تومان) ۲ میلیون چهار صد هزار تومان و اینرا بنده عرض می کنم بنده با پرداخت این ۶ میلیون تومان بتا شاهنشاهی همیشه مخالف بودم و از آنها خواهم دفاع بکنم بنده همیشه میگفتم این املاک عایداتش زیاد است میرند و میروند دیدیم که مقداری از اینرا آقای نخست دستور داده اند از بودجه حذف شده است مقداری راجع باین موضوع صحبت شد این صحبتها مصادف شد با ۳ چهار هفته پیش از این جریانات اخیر یعنی جلوتر از جریانات اخیر بود یک دفعه دیدیم که وزیر دارائی آمدند توی یک قلم نه کشیدند اعتبار کمک سازمان شاهنشاهی خدمت اجتماعی که ما چرای پول بدهیم گفتند آن خدمت کرده گفتند نه خیر خدمت نکند بسیار هم بد عمل کرده خوردند و بردند و تبلیغات بر علیه مملکت شده است آقای وزیر گفته اند که هیچ چیز ندهید چون خودم یکی از اشخاصی بودم که گزارش از دخالتهای بی رویه و الاحضرت اشرف و خودم اعتراض کردم بعضی از جریانات سوء استفاده های سازمان خدمات شاهنشاهی اینها را از من گفته بودم ولی من فکر آنوقتیکه ایشان تقدیر نامه صادر کرده در سازمان خدمات شاهنشاهی و الاحضرت اشرف در ایران نبود و آنجا نمیگفتم که ما داشتیم اشخاصی هم که در سازمان خدمات شاهنشاهی هستند اینها خودشان کار در سیاست نبودند و از این گذشته چاره در این ۲ ماه اتفاق افتاده است شاد و ما تقدیر نامه صادر کرده اند که بسیار عمل کرده اند و حالاً می گویند بودجه سازمان خدمات شاهنشاهی را بزنند این موضوع قدری اسرار آمیز است گمان میکنم یک عمل خیلی ناراحت کننده ای در این از طرف سازمان خدمات اجتماعی افتاده باشد که این عکس العمل نشان می دهند ولی چون چنین عملی (یکی از آقایان - نامه کابل)

از این اشخاص خیلی هستند ( بهادری - آقای د کتر نمره آن چند است ) برایتان می نویسم ( میر اشرفی - بیست است ) عرض کنم این جریانات پیش آمد و این تشنجات و بعد املاک تسلیم دولت شد یعنی جناب آقای د کتر مصدق از این نگرانی که برای تقسیم املاک داشتند بیرون آمدند یکروز در کمیسیون بودجه نشسته بودیم جای همه آقایان خالی دیدیم که جناب آقای کاظمی مثل فرشته رحمت تشریف آوردند و با کمال گشاده رویی بودجه سازمان خدمات شاهنشاهی را برگرداندند و تمام شد معلوم شد که این دعوا سر لعاف ملا نصرالدین بود که نمی خواستند املاک بانصورت تقسیم بشود نه آقای د کتر مصدق این را می خواستند و نه کردن کلفتها نه هر کردن کلفتی آن کردن - کلفت های نفهم و نه توده ایها فاضله حل شد موضوع سازمان خدمات شاهنشاهی هم البته درست شد و بودجه اش هم در اثر جدیت آقای د کتر ملکی خیرش تهیه شده فردا پس فردا منتشر میشود و آقایان خواهند دید که درست شده تمام این الدر و بلدرم و این رفتارندام و اینکه در دادیو می گویم یک مدتی مد شده بود من میگویم پس فردا نوری را دیو صحت میکنم فوری این فرا کسیون آن فرا کسیون دستمالها را برداشتند بردند که آقا صحت نکند چقدر این تهدید شد که من میخواهم نوری را دیو بگویم می رفتند التماس کردند فلتنی بندگانگو بعد این آخری هم که گفتند دیدیم هیچ چه چوبی نبود که اینقدر جای نگرانی داشته باشد چون گفتنی هم چیزی دیگر باقی نمانده بهر حال این هشت ۸ نفری وقتی که رسیدگی کردیم و حرفهای طرفین را شنیدیم و آنچه بایستی فهمیم فهمیدیم دیدیم که موقبت مملکت اقتضا میکند که این موضوع را بکطوری باصلاح سرش را هم بیاوریم که باین تشنج و باین نگرانی ها خاتمه داده بشود در یکی از جلسات که منزل آقای حائری زاده تشکیل شده بود بنده پیشنهاد کردم ( در این موقع یادداشتی با آقای د کتر بقا سی رسید و اظهار نمودند ) بانی این را هم دیدم نخواستم بگویم در این یادداشت یادآوری کرده اند که در روزنامه ها نوشته شده بود که املاک را اجاره ۹۹ ساله بدهند بر زمین این هم اسباب عصبانیت و نگرانی یک عده از مالکین بزرگ شده است ( بهادری - صحیح است ) یکی از نعمت های بزرگ خدا حقیقتاً نعمت فراموشی است اگر انسان این نعمت را نداشت خیلی موجود بدبختی میشد اگر بنا بود آدم همه چیز یادش باشد خیلی بیچاره میشد برای اینکه یک وقت صحتی میکنید و دنباله این مطلب کشیده میشود بجا های دیگر با اصطلاح الکلام بجز الکلام این خیلی بد میشود باز راجع باین موضوع هم مطلبی یاد آمد و از گفتنش صرف نظر میکنم خوشبختانه این

این دیوارها صداها را منعکس میکرد که من در دوره ۱۶ و ۱۵ و ۱۲ و بعد در دوره ۱۷ چه گفته ام اگر این صداها همه منعکس میشد آبرو برای خیلی ها نمی ماند بهر حال در آن جلسه منزل جناب آقای حائری زاده بنده پیشنهاد کردم که یک چیزی روی کاغذ نوشته شود همینطور بود جناب آقای رفیع ( د کتر معظمی - پیشنهاد فرمودید که خوب است ) آقای نخعی وزیر با اعلی حضرت همایونی کاغذی ردو بدل کنند نه نه نه نه پیشنهاد کردم که یک چیزی بیاوریم روی کاغذ و باین جریان خاتمه بدهیم مقصود این بود که یک چیزی نوشته شود یک تصریحی در وظایف طرفین بشود و ما از این فرصت استفاده نکنیم برای تحکیم قانون اساسی مذاکرانی شدند نفر از آقایان رفتند با آقای نخعی وزیر هم مذاکره کردند و بعد هم مینویسند این گزارش نوشته شد در مذاکرانی که بنده در آن جلسه منزل جناب آقای حائری زاده کردم گفتم ، حالا که ما آمدیم و میخواهیم راجع به تحکیم و تشدید قانون اساسی یک عملی انجام بدهیم مستلزم اینست که در این اختیارات هم یک تجدید نظری بشود و مخصوصاً اینکه از این اختیارات استفاده زیادی بکنند مملکت نشده اقلاب این صورت در بیاید که قسمتی از این اختیارات به سر گردد به مجلس و بجای اینکه این کمیسیون های منزل جناب آقای نخعی وزیر این کارها را بکنند خود کمیسیون های مجلس که برای اینکار مجتهدتر و آماده تر هستند خودشان طرحها و پروژه ها می کشند که جناب آقای د کتر مصدق میدهند رسیدگی بکنند و از طرف مجلس هم باین کمیسیون ها اختیار تصویب داده شود و ضمناً چون یکی از آقایان گفتند که نگرانی از اینست که مبادا لوابیح برود در کمیسیونها دفن بشود ضمناً هم برای پیش بینی این موضوع گفتیم ممکن است مجلس که به کمیسیونها اختیار قانون گذاری میدهد قید شود که این کمیسیون ها باید در ظرف ۱۰ یا ۱۵ روز لوابیح را رسیدگی بکنند و نظر مثبت یا منفی خودش را اعلام کند بنده همانطور که عرض کردم خدمت جناب آقای د کتر مصدق نیز رفتم ولی آقایان رفته بودند در آنجا راجع با اختیارات صحبت شده بود خود جناب آقای د کتر مصدق هم آنطور که آقایان برای بنده نقل کردند روی خوش باین موضوع نشان داده بودند و حتی از تشنج ایشان بلند شده بودند و آن لایحه اختیارات را آورده بودند در حضور آقایان خوانده بودند ماده به ماده گفته بودند این ماده را لازم ندارند آن ماده را لازم دارند این یکی ضروری است این صحبتها شده بود جناب آقای رفیع اینطور بود؟ ( رفیع - از کمی می رسید؟ ) از جناب عالی ( رفیع - بله ) ( مهندس حسینی - قرار شد که صحبت نشود ) ولی از شما نیز رسیدم ( مهندس حسینی - از ایشان هم نباید پرسید )

به یک جلسه ای تشکیل دادیم این گزارش تقریباً به همین صورتی که آقایان می بینند یا کمی اختلاف خوانده شد بنده گفتم که آقا این گزارش بانصورت ناقص است و موضوع اختیارات هم باید در اینجا قید شود بعضی از آقایان جواب دادند که نه آقای د کتر مصدق باینقسمت راضی نیستند و اگر اختیارات از طرف مجلس از شان پس گرفته بشود این یک نوع تضعیف دولت ممکن است تلقی بشود باینجهت خود آقای د کتر مصدق این قسمت از اختیارات را که لازم ندارند و در شان طی یک نامه یا یک لایحه مسترد میدارند . اینجا بنده هم باین منطق تسلیم شدم چون مقصود ما تضعیف دولت نبود مقصود ما این بود که وقتی یک عملی بکنیم قانون اساسی صحت میگیرد ما بتوانیم یک کار صحیحی انجام داده باشیم ولی قصد ما این نبود که دولت را تضعیف کرده باشیم اینجا بنده قبول کردم تا اینکه یک روز آمدند و گفتند این گزارش را امضاء کنیم گفتم آقا آن بقیه اش چه طور میشود گفتند آقای د کتر مصدق می نویسند به مجلس بنده هم امضا کردم مخصوصاً اینکه این گزارش به وریکه آقایان محترم ملاحظه فرمودند بخودی خود هیچ چیزی را اضافه هم نمی کند چهار تا عبارت قانون اساسی است که پشت سر هم گذاشته شده بنده هم امضا کردم بعد یک عده ای خواستند این گزارش را بانصورت در مجلس مطرح کنند بنده دلائل خودم را در جلسه خصوصی عرض کردم که این قابل طرح در مجلس نیست و دلائلم را هم عرض کردم بعد از جلسه آمدیم بیرون یکوقت دیدم که جلسه خصوصی بهم خورد و آقایان بلند شدند که بیایند توی جلسه رسمی برای طرح این گزارش اگر آقایان خاطر مبارکشان باشد انجام در بنده عصبانی شدم و گفتم که بنده با اینصورت مخالفم و اگر بخواهید بانصورت مطرح کنید مجبورم بیایم پشت تریبون مجلس و یک حرفهایی بزنم که شایسته نمیدانم و بانصورت ناقص است اگر آقای د کتر مصدق هم موضوع اختیارات را حل بکنند می شود قبول کرد آن جلسه عمل نشد آقایان رفتند با آقای د کتر مصدق صحبت کردند راجع به موضوع اختیارات ایشان بکلی یادشان رفته بود که اصلاً صحبتی از اختیارات شده بوده است گفته بودند که من از اختیارات یک ( و ) هم تغییر نمیدهم بعد آقایان پافشاری کردند برای گذراندن این گزارش هشت هشت نفری از مجلس شورای ملی هر چه ما استدلال کردیم که این هشت جنبه رسمی نداشته در جلسه خصوصی تعیین شده اند گزارش هم مربوط بجلسه خصوصی است جهت ندارد در جلسه علنی مطرح شود و بهش رای گرفته شود موضوع اینست که این اصرار برای یک چیزی است والا منظور که عرض کردم این طرح بخودی خود نه

هیچ چیزی را زیاد میکنم نه هیچ چیزی را کم ولی در عمل یک معنی و تفسیری از تصویب این طرح بانصورت عاید خواهد شد که اگر گزارش بان صورتیکه از اول پیش بینی کرده بودیم بود این معنی را نمیداد اما حالا این معنی را میدهد حالا برای آقایان توضیح عرض میکنم . فرض کنید بین دو نفر اختلافاتی هست و هر کدام قائلند دیگری نسبت باو قصور یا تقصیر کرده این دو نفر می آیند حکمیت امر را بجناب آقای نبوی واگذار میکنند ایشان هم برای اینکه اصلاح ذات البین فرموده باشند و یک شکمش خاتمه داده باشند رای میدهند که من رسیدگی کردم البته ایشان اینطور تصور میکردند و خیال میکردند اینطور شده است رای میدهند که من رسیدگی کردم و بعد از مطالعه معلوم شد که چیزی نبوده و اینها سوء تفاهم بوده و الحمد الله رفع شد . مقدمه آن گزارش هشت هشت نفری را که در این ماده واحد حذف شده است اگر آقایان بخوانند این معنی را میدهد که ما رسیدگی کردیم چیزی نبود ( د کتر معظمی - مقدمه را ماقبول میکنیم مبادا دیدم مقدمه را هم اضافه کنید ) مقدمه بدون نتیجه که فایده ندارد مقصود ما آوری اینست که در مقدمه گفتیم بین طرفین سوء تفاهم بوده است و الحمد الله رفع شده است ، حالا در ذی مقدمه باید یک چیز راجع بانطرف باشد و یک چیز راجع به آنطرف که تا مقدمه با ذی مقدمه تعادلش برقرار بشود ولی این تعادل برقرار نشده یعنی یکطرف را گرفتند و یک طرف را فراموش کردند چه طور ؟ در همان رای داوری فرضی که بنده نسبت بجناب آقای نبوی جاسارتاً فرض کردم ، ایشان رای میدهند که آقای زید مدعی است که عمرو نسبت باو تقصیر کرده و عمرو مدعی است که زید نسبت باو تقصیر کرده من رسیدگی کردم و دیدم سوء تفاهم بود عمرو تقصیر ندارد و زید هم تقصیر ندارد ضمناً آقای زید مبلغ پنج هزار ریال با آقای عمرو بپردازد معنای این البته صورت ظاهر هیچ چیز نیست ولی وقتی شمارست توجه کنید باین رای میبینید که این رای بیکی که بدون ذکر محکومیت و البته داور خواهش کرده که این پنج هزار ریال را بپردازد بدون ذکر محکومیت و ولی باید این هزار ریال را بپردازد ، هر کس که این را بخواند میفهمد که تقصیر بازید بوده برای اینکه دلیل نداشت که ایشان بگویند من رسیدگی کردم معلوم شد زید تقصیری نداشت عمرو هم تقصیری نداشت پس بچه حساب زید هزار ریال بدهد و عمرو پس معلوم میشود که زید یک تقصیری در کارش بوده است قضیه این گزارش و این ماده واحد عیناً همین است در آن مقدمه که نوشته شده بود و آقایان و جناب آقای د کتر مصدق فرمودند که ما قبول داریم اگر

اضافه کنید، نوشته شده است که ماریسیدگی کردیم چیزی نبود و بطوریکه مرض کردم این مواده چیزی اضافه میکند نه چیزی کم میکند ولی در قضاوت اینطور بنظر میرسد که پان مواد ، شاهرامحکوم کردیم یعنی شاهتصیر کار بوده است ، ماریسیدگی کردیم ولی از لحاظ روزدریاستی و حفظ مقام سلطنت بروی خودمان نیاوردیم ولی اگر این (ولی) یک (ولی) دیگر هم دنباله اش راجع باختبارات بود این همان مطلبی بود که بنده عرض کردم ولی چون آنوقت حاضر نشدند و آن قسمت سلب اختبارات را حذف کردند باینصورت رای این موضوع جنبه مخالفت یعنی جنبه محکوم کردن شاهرا دارد و علت اصراریکه نه تنها این آقایان دارند اصراریکه البته باید اصرار داشته باشند و اصراریکه توده ایها دارند از این جهت است کونیستها یک اصرار فوق العاده ای برای تصویب این طرح دارند گو اینکه بازپرس اصلاح شده جناب آقای دکتر مصدق فرار صادر کرد که کونیستها اشتراکی نیستند و توده ایها طرفدار قانون اساسی هستند، این فرار را صادر کردند و یک فرار مفتضح تر دیگری که چند روز پیش نوی روزنامه ها خواندم ، یک نفر را گرفته بودند که توی خیابان نوشته بود مرک بر سر رضاخان ، این را بردند آقای قاضی رسیدگی کرده و رای صادر کرده است که اولاً رضاخان خیلی است و معلوم نیست که این نویسنده مقصودش کدام رضا خان بوده ، خیلی خوب بعد مسلماً که مقصود از رضاخان رضا شاه بوده ، او دارای پسر های متعدد است و معلوم نیست که نویسنده دیوار مقصودش کدام یک از پسر های رضا خان بوده و بنا بر این توهین بمقام سلطنت نیست ، این از کارهای دادگستری اصلاح شده است و این شعبه بازی منتظر خدمت کردن آن بازپرس و دادیار باندازه ای مفتضح و رسوا بود ، باندازه ای بچگانه بود که بچه هام خندیدند که فوراً اینهارا معلق کردند و فرستادند بمعکم انتظامی بدمدم دیدند بدکاری کردند با آن حرف های سابقشان تناقض پیدا میکند چون قبلاً هم وزیر دادگستری ، هم دادستان و هم سخنگوی دولت وزیر امور خارجه جور دیگری راجع باین موضوع صحبت کرده بودند و دیدند آبرویشان می رود بعد بریز روز دیدیم که آقای وزیر دادگستری یک اظهاراتی کردند که این بازپرس که تحت تعقیب در آمده است برای این موضوع بوده است که یک پرونده زندانی داشته است و افعال کرده و آن پرونده را مقدم نداشته و پرونده های دیگر را جلو انداخته است (پور سرلیپ - فراد خودشان را چه میگویند ؟ خود آقای وزیر دادگستری قبلاً هم چنین فراری صادر کرده اند ) (میراشرافی - موقتی هم که خود ایشان رئیس شعبه ۲

بهر حال ، هرچه از این قرار ها صادر بشود ماهیت توده ایها بر کسی پوشیده نیست و علاقه ای که بقانون اساسی دارند بر کسی پوشیده نیست ، کسانیکه به لصل قانون اساسی معتقد نیستند کتابها نوشته اند ، مقاله ها نوشته اند ، باصلاح معتقد نیستند حالا سنگهای ده منی برداشته اند بسینه میزنند که ( واگزارش هشت نفری) چرا تصویب نمیکنید این گزارش را ؟ این خائنین ، این جاسوسان ، این ما کدارها، اینها نمیخواهند این گزارش راجع بچهار اصل قانون اساسی تصویب بشود ، جناب آقای میلانی جنابعالی که این همه راجع باسلام میفرمائید این را من خواهم می کنم که اصلاً بروید فکر کنید ببینید چرا توده ایها دلشان میخواهد این گزارش تصویب بشود اگر غیر از تضعیف مقام سلطنت است مرا روشن بفرمائید اینجا نوشته اند که آقای مهاجر عضو حزب ایران است ( مهندس حسینی - از این چیزها خیلی مینویسند ) این آقای علی اشرف مهاجر عضو کجا کجا باشد اسباب افتخار است حقیقتاً کسی که یک همچو فراری صادر کند باعث افتخار است ( مهندس حسینی - حتماً عضو حزب شماس است ) نخیر قطعاً عضو حزب ما نیست توی حزب ما از این افتخارات نیست ( شمس قنات آبادی - مخبر اتحاد ملی با او مصاحبه کرده و گفته است که عضو حزب ایران است این روزنامه اتحاد ملی است ) پس خواهش میکنم بگردید برای من پیدا کنید چون من فرصت پیدا کردنش را ندارم ( آقای قنات آبادی روزنامه را جهت آقای دکتر بقائی فرستادند ) عرض کنم مخبر اتحاد ملی سؤال میکند از این بازپرس که عضو چه حزبی هست گفتم آبا عضو هیچ حزبی هستید گفت بله پنج شش سال قبل در حزب ایران اسم ثبت کردم ولی کمتر رفتم هنوز هم اسمم در آن حزب ثبت است یادم آمد چند روز قبل روزنامه جبهه آزادی ارگان رسمی حزب ایران در شماره ۱۸۳ مورخه ۳۰ ۲۲ راجع بصدور این رای چنین نوشته بود بازپرس جاسوس و نوکر مآب دادگستری با این عمل بزرگترین لطمه را بر پیرستیز و اعتبار دادگستری ایران زد ( مهندس زیرک زاده - پس مسلماً بوده ) نه از این تضادها در کار شما خیلی زیاد است ( مهندس زیرک زاده - شما که اصلاً تضاد ندارید ) شما میباید از جاسوس مار که از حرف میزنید و بعد می آید پشت پرده چون میگویند کبر فلاح آدم درستی است در صورتیکه مدارک جاسوسیش را خودتان هم دیده اید

های شهباز و یک شماره روزنامه مخفی مردم را هم دیدم که یک مطلبی نوشته بود خطاب بفرانکسیون نهضت ملی که بگیرید بکشید این خائنین را ، این مرتجعین را ، این مستبدین را ، این مزدوران را له کنید زود تر این طرح هشت نفری را امضاء کنید ، یک علت دیگری هم داید و آن علت اینستکه میخواهند ، باب بشود که قانون اساسی در مجلس مطرح بشود باینصورت و این جواب اینستکه چرا ما این طرح را آن گزارش را امضاء کردیم ولی الان روی این داریم مخالفت میکنیم ، الان بنده روی یک کاغذی مینویسم لاله الا الله محمد رسول الله و می فرستم پیش آقایان ، یای این کاغذ را امضاء میفرمائید یاخیر ؟ (جلالی - تا نویسنده کی باشد؟) لاله الا الله که تفسیر و شرحی ندارد هر کس بنویسد یا بش را امضاء میکند مگر اینکه دولت بیهضیه بگیرد امضاء نکند کما اینکه راجع بموضوع مشروبات الکلی کسانیکه سنک بسینه میزدند رای دادند که ششماه دیگر مباح باشد ( پارسا - آقا توهین بنمایند کان محترم نفرمائید ) (میلانی - ماتجویز مشروب نمیکنیم ، این چه عبارتی است؟ چرا توهین میکنید؟) نمیگویم مشروب را تجویز میکنید ، گفتم آن طرح را وقتی که معلوم شد که میخواهند ششماه دیگر ادامه داشته باشد معنیش این است که رای میدهند که ششماه دیگر هم مشروب فروشها باز باشد (مهندس حسینی - شما که نمیخورید و دیگر هم نمیخورید ) صحبت من نیست ( حسینی - دلسوزی شمارا میخواهم بگویم ) من اگر نیکنم اگر بد تو برو خود را باش ( مهندس حسینی - دلسوز بر امیگویم ) من تاریخچه را می گویم ولی یاد آوری صحبتهای گذشته برای بعضیها خیلی دردناک است ، مقصود بنده این نبود ، اگر یک کسی هر کجا روی کاغذ بنویسد لاله الله محمد رسول الله هر مسلمانی زیر این را امضاء میکند ولی اگر بگویند که آقا بیائید این را طرح کنید در مجلس و رای بدهید ( پارسا - خیلی بیخشم قربان شما خودتان امضاء فرمودید و تأییدش را از مجلس خواستید ) آقای پارسا بعد بیائید جواب بدهید چرا توی حرف من میدوید ، من خیلی متأسفم که آقایان این سیاست را بکار میبرند که من می مقدمه میچینم و وقتیکه میخواهم نتیجه بگیرم بکترسند که رسوا بشوند میدوند توی حرف من ، شامی فهمید که وقتی یک ناطق مقدمه میدهد و میخواهد نتیجه بگیرد نباید توی حرفش دوید این حقیقه شرم آور است ، نمیگذارند روشن شود ( میراشرافی - این مال نفرت تر که است که میخواهند معامله بکنند میخواهند دلای این نفرت را بکنند که این جوشها را میزنند ) چیز عجیبی است ، این حقیقتاً شرم آور است که نمیخواهند بگذارند صحبت بکنم ، عرض کنم گفتم یک مطلب بدیهی و مسلم برای هر فرد مسلمانی یعنی تکبیر و شهادت

را هر مسلمانی پایش را امضاء میکند ولی هیچ مسلمانی اجازه نمیدهد که این برای گذاشته شود ، هیچ مسلمان فهمیده امی این اجازه را نمی دهد که این برای گذاشته شدن یعنی چه اگر ردش و تصویبش مسلم باشد که این رای نیست رای دوطرف دارد وقتی یک مطلبی را برای میگذارند یعنی این مطلب ممکن است صحیح باشد ممکن است مورد تصویب واقع نشود یا مورد تصویب واقع بشود یک مسلمان هر گز اجازه نمی دهد که بکنم لاله الا الله رای بگیرند ، بنده پیشنهاد میکنم راجع بصحبت کلمه لاله الا الله جزء مسلمانان است قابل برای گذاشتن نیست ولی یک چیزی هست که قابل برای گذاشتن است و آن تفسیر است چون ممکن است رازی یک آیه ای را یک طوری تفسیر کرده باشد و بخاری یک طوری دیگری تفسیر کرده باشد این را ممکن است از حاجات علم از کسانی که وارد هستند بروند ایشان را پرسند و بخواهند که بنظر شما صحیح بخاری درست نوشته یا تفسیر رازی ؟ این ممکن است اگر این ماده واحده بصورت تفسیر بود طرح این البته باصطلاح جزء حقوق مجلس شورای ملی است ( مدرس - مختصات ) متشکرم جزء مختصات مجلس شورای ملی است ممکن است وقتی این طرح شد اکثریت رای بدهند که این تفسیر صحیح بوده است ، تصویب مسی شود ممکن است بگویند شما که این را امضاء کرده اید فلفط بوده این رد میشود ، در صورتیکه رد بشود یا تصویب بشود باصل آن ماده خللی وارد نمی آید و این نکته را خواهش میکنم هم درست توجه بفرمائید که اگر یک تفسیری به رای گذاشته شد چه قبول بشود و چه رد بشود خللی باصل وارد نمی آید حالا اگر آمدیم راجع بیک اصلی خودش را به رای گذاشتیم یک وقتی هست که ما میگذاریم ممکن است رد شود اما اگر آمدیم خود کلمه لاله الا الله را به رای بگذاریم این اگر رد شد اصلاً صورت ندارد بصورت پذیر نیست این موضوع هم عیناً همان است یعنی عبارات قانون اساسی را ما پشت سر هم ردیف کردیم نظر باینکه مطابق اصل ۲۷ متمم قانون اساسی نظر باینکه مطابق فلان اصل تمام عباراتی را نوشتم که اینطور است آقایان چیزی خارج از قانون اساسی در این ماده نوشته نشده و از قانون اساسی چیزی خارج نیست ، حالا آمدیم رد شده فرض محال که محال نیست آمدیم این ماده واحده رد شد یعنی مجلس شورای ملی ایران چهار اصل از قانون اساسی را رد کرد

است؟ این نکته را خواهش میکنم درست توجه کنید (دکتر کیان-هیچ همچو معنایی ندارد) چرا معنی دارد شما میخواهید متوجه بشوید (دکتر کیان- ما صلاحیت برای رد این اصول نداریم) من هم همین را میخواهم بگویم و چون مجلس شورای ملی قائم بقانون اساسی است خودش حق اظهار نظر، حق اضافه کردن و کسر کردن قانون اساسی را ندارد ما اینجا بعنوان قانون اساسی نماینده شده ایم آمده ایم توی این مجلس و نمیتوانیم بگوئیم اصل دوم قانون اساسی خطاست یا اصل ۱۵ متمم قانون اساسی نباید باشد یا یک اصل ۷۹ هم ما اضافه میکنیم، حق حذف داریم و نه حق اضافه چون ما چنین حقی نداریم این موضوع قابل طرح نیست چون اگر تصویب شود چی تصویب شده، بله؟ اگر این موضوع تصویب بشود چی تصویب شده؟ اگر تصویب بشود آن چیزی تصویب شده است که ما هم بآن معتقدیم چون بآن قسم خورده ایم، یعنی چهار اصل قانون اساسی تصویب شده، اما اگر آمدیم رد شد چه میشود؟ آخر این طرح به رأی گذاشته میشود برای اینکه با تصویب بشود و وارد اگر آمدیم رد شد، آنوقت مجلس یک کاری کرده است که صحیح نیست حالا ممکن است آقایان بگویند خوب حالا پس شما همه را تصویب کنید که تصویب بشود اینهم صحیح نیست برای اینکه یک سابقه ای میشود برای اینکه هر مطلب خلاف حقیقت و قانون اساسی را که بکنند کسب و بخواهد، حالا برای دوره های دیگری که ممکن است اشخاص بدین مجلس بیایند و اکثریت داشته باشند و بخواهند یک اصل قانون اساسی را بگذارند به رأی یک چیز بدی راهم بگذارند بدنبالش و این را هم بدنبالش بگویند که

آقا اگر رأی ندهی قانون اساسی لایق شده پس باید رأی بدهید و آن مطلب هم به دنبالش است رأی داده شده و الا همانطوری که عرض کردم در عبارات این طرح هیچ مطلب خلافی نیست هیچ مطلب غلطی نیست تمام مطالبی که اینجا نوشته شده صحیح است بنده بکدومه دیگر هم پایش را توی این صورت مجلس امضا میکنم ملاحظه میفرمائید؟ (مهندس حسینی- عمل لغو) ولی لغو تر از برای گذاشتن این موضوع نیست عمل لغو اینست که این موضوع را به رأی بگذاریم یعنی درست مثل اینست که حضرت محمد بن عبدالله پیغمبر اسلام هست یا نیست این قابل برای گرفتن نیست حالا ما بگوئیم نظر باینکه ما موحد هستیم نظر باینکه ما مسلمان هستیم، نظر باینکه محمد بن عبدالله در فلان تاریخ به پیغمبری مبعوث شد امضا کنندگان این طرح ایشان را بسمت پیغمبر اسلام میشناسیم این طرح عیناً مثل اینست، این نوشتنش توی تاریخ کاملاً صحیح است، همه هم معتقد هستند تمام مسلمین هم ایشان را پیغمبر مبعوث بر حق میدانیم ولی این موضوعی نیست که به رأی گذاشته شود و من در آخر عرایض خود خیلی متشکرم از اظهار لطفی که آقایان کردند برای اصفاء عرایض بنده و یک مطلبی هم که اینجا یادداشت نشده بود و فراموش کردم بگویم موضوع سیاست دولت احوال در موارد مختلف که یکی از دوستان تذکر دادند گاهی موازنه منفی میشود، گاهی موازنه مثبت داریم، خیلی تماشائی است یعنی یک وقتی توده ایها را میکیرند و چند تا انگلیسی را هم میکیرند مثل آن شاهرخ و ناوارا بعد توده ایها را ول میکنند و آنها را هم رخصشان

میکند این از لحاظ موازنه مثبتی که دولت دارد یک نکته قابل توجهی بود و یک موضوع دیگری هم ...  
**نایب رئیس** - آقای دکتر بقائی وقت جنابعالی تمام شد اگر دوسه دقیقه دیگر وقت لازم دارید بفرمائید.  
**دکتر بقائی** - دوسه دقیقه بیشتر وقت نمیخواهد یک موضوع دیگری هم که میخواستم حضور آقایان عرض کنم در تأیید عرایض اولیه خودم آن جلسات اولی که مجلس بعلمت کشمکش روی همین طرح تشکیل نشد متأسفانه آن ماده واحده ای که ما پیشنهاد کرده بودیم متنش پهلوی من نیست آقای قنات آبادی پهلوی شما هست؟ (قنات آبادی- عقیم نیست) ما یک ماده واحده ای پیشنهاد کردیم که رأی اعتماد به دولت آقای دکتر مصدق را تأیید کردیم موضوع شاه را هم تأیید کردیم خلاصه یک ماده واحده ای تهیه کردیم که هم رأی اعتماد بدکتر مصدق را تأیید کرده بودیم هم وفاداری به قسمی که بحفظ مقام سلطنت خورده بودیم این طرح با مضای عده زیادی هم رسید حالا اگر اشتباه نکرده باشم توی روزنامه ها نوشته نشده حالا بنده جزئیاتش یادم رفته، از طرف یکمده از سران محترم فرا کسیون نهضت ملی نگذاشتند که این جلسه تشکیل بشود در صورتیکه همه اینها توی آن طرح هم بود فقط برای اینکه اسم شاه تویش بود ولی اینرا فراموش نفرمائید بفرس اینک شما اکثریت دارید و میتوانید این طرح را تصویب کنید ما همه مان اینجا قسم خورده ایم برای حفظ مقام سلطنت (صحیح است) و خوشترمان

می آید که توی خانه خودمان باشیم با همین وضعیتی هم که داریم باشیم تا یک فلام بجای بسیار خوب تحصیل کرده از ماورای مرز بیاید بر ما حکومت بکند که البته یک مجلسی هم پیدا خواهد شد که رأی بدهد که او ایرانی الاصل است همانطوریکه آن مرد که روسی کی بود که رفت بلهستان و مجلس لهستان هم رأی داد که او لهستانی الاصل است (دکتر کیان- واسیلوسکی) واسیلوسکی، این جریان را بنده تصور میکنم اگر آقایان توجه بفرمائید و بگذارند بهمین ترتیب خاتمه داده شود و رأی بدهند و بهمین گفته شد اکتفا شود گمان میکنم صلاح طرفین باشد بنده بعداً پیشنهاد خرون از دستور خواهم داد راجع باین موضوع چون میدانید اجاجت خوب نیست و امیدواریم که آقایان توجه کنند که این موضوع را ما از دستور خارج کنیم و بگذاریم باشد برای یک موقع بهتری چون وقتی که یک نقشه ای خوانده شد و کشف شد هر چه اصرار کنند دیگر نتیجه ای نخواهد داشت

(۳) تعیین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه  
**نایب رئیس** - یکساعت و ۲۵ دقیقه بعد از ظهر است بعضی از آقایان بعنوان ماده ۹۰ اجازه خواسته اند فعلاً جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز پنجشنبه ساعت ۹ و ربع دستور بقیه همین مطلب (مجلس یکساعت و ۲۵ دقیقه بعد از ظهر ختم شد)  
**نایب رئیس مجلس شورای ملی**  
**احمد رضوی**